

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

قانونه یار  
حقوق جزای  
اختصاصی (۱)  
(جرایم علیه اموال و مالکیت)

بر اساس:

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون  
تعزیرات ۱۳۷۵، سایر قوانین متفرقه  
جزایی، آراء وحدت رویه، نظرات  
مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه،  
آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مرتبط

مؤلف: میثم مختارزاده

انتشارات چتر دانش



- سرشناسه
- عنوان قراردادی
- عنوان و نام پدیدآور
- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- وضعیت فهرست نویسی
- یادداشت
- عنوان دیگر
- موضوع

- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی
- اطلاعات رکورد کتابشناسی



- نام کتاب
- ناشر
- مؤلفان
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

مختارزاده، میثم، ۱۳۶۰ -  
 ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc  
 : قانون یار حقوق جزای اختصاصی ۱: جرایم علیه اموال و مالکیت  
 بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.../ مولف میثم مختارزاده.  
 تهران: چتر دانش، ۱۴۰۲.  
 : ۵۹۰ص.  
 : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۴۵-۰  
 : فیپا  
 : کتابنامه:ص:۵۸۷-۵۹۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.  
 : جرایم علیه اموال و مالکیت.  
 : جرایم علیه اموال -- قوانین و مقررات -- ایران  
 Offenses against property -- Law and legislation -- Iran  
 جرایم علیه اموال -- ایران -- آزمون ها و تمرین ها (عالی)  
 Offenses against property -- Iran -- Examinations, questions, etc. (Higher)  
 مالکیت -- ایران Property -- Iran  
 مالکیت -- ایران -- آزمون ها و تمرین ها (عالی)  
 Property -- Iran -- Examinations, questions, ect. (Higher)  
 حقوق جزا -- ایران Criminal law -- Iran  
 حقوق جزا -- ایران -- آزمون ها و تمرین ها (عالی)  
 Criminal law -- Iran -- Examinations, questions, etc. (Higher)  
 : KM۳۸۰۰  
 : ۳۴۵/۵۵  
 : ۹۴۱۳۱۱۱  
 : فیپا

: قانون یار جزای اختصاصی ۱  
 : چتر دانش  
 : میثم مختار زاده  
 : اول - ۱۴۰۲  
 : ۱۰۰۰  
 : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۴۵-۰  
 : ۳۷۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمیبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسؤل انتشارات چتر دانش



# فهرست

<b>۱۳</b> .....	<b>بخش اول: کلاهبرداری</b>
۱۴.....	تعریف کلاهبرداری
۱۴.....	جرم کلاهبرداری از منظر جرم شناسی
۱۶.....	رابطه جرم کلاهبرداری و جرایم اقتصادی
۱۶.....	جرم کلاهبرداری از دیدگاه حقوق اسلامی
۱۷.....	وجه افتراق و اشتراک بین کلاهبرداری و سایر جرایم علیه اموال و مالکیت
۱۸.....	سیر تاریخی و تحولات تقنینی جرم کلاهبرداری
۲۰.....	کلاهبرداری ساده و مشدد
۵۶.....	کلاهبرداری شبکه‌ای
۵۸.....	کلاهبرداری رایانه‌ای
۶۲.....	جرایم در حکم کلاهبرداری
۶۲.....	الف- تبانی اشخاص برای بردن مال غیر
۶۴.....	ب- معرفی مال دیگری به عوض مال خود
۶۵.....	پ- انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی
۷۰.....	ت- تحصیل متقلبانه انحصار وراثت
۷۱.....	ث- سواستفاده از ارز دریافتی از دولت
۷۲.....	ج- تدلیس و تبانی در معاملات دولتی
۷۴.....	چ- کلاهبرداری در امور ثبتی
۸۲.....	ح- کلاهبرداری در شرکت‌های تجاری
۸۴.....	خ- ورشکستگی به تقلب
۸۸.....	خ- ورشکستگی به تقصیر
۹۱.....	د- تبانی مدیر تصفیه
۹۲.....	ذ- کلاهبرداری و اعمال متقلبانه در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵
۹۳.....	ر- تحصیل مال از طریق نامشروع
۹۸.....	ز- انتقال مال خود به قصد فرار از دین
۹۹.....	موارد تکمیلی دیگر در رابطه با صور خاص کلاهبرداری
۱۰۲.....	سؤالات

## بخش دوم: خیانت در امانت ..... ۱۶۱

- ۱۶۲ کلیات .....
- ۱۶۲ تعریف جرم خیانت در امانت .....
- ۱۶۳ سابقهٔ تقنینی جرم خیانت در امانت در نظام قضایی ایران .....
- ۱۶۴ جرم خیانت در امانت از دیدگاه فقه اسلامی .....
- ۱۶۵ جرم خیانت در امانت از دیدگاه جرم شناسی .....
- ۱۶۵ شباهت و تفاوت بین جرم خیانت و دیگر جرایم علیه اموال .....
- ۱۶۶ تحلیل و بررسی جرم خیانت در امانت .....
- ۱۸۷ جرایم در حکم خیانت در امانت .....
- ۱۸۷ الف- سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص .....
- ۱۹۰ ب- سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء .....
- ۱۹۳ پ- اختلاس .....
- ۱۹۳ ۱- اختلاس ساده .....
- ۲۰۵ ۲- اختلاس شبکه‌ای .....
- ۲۰۸ ۳- جرم اختلاس در قانون جرایم نیروهای مسلح .....
- ۲۱۰ ۴- جرایم در حکم اختلاس .....
- ۲۱۳ ت- تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی .....
- ۲۱۸ ث- خیانت مستخدمین دولتی در اوراق، نوشته‌ها و اسناد دولتی .....
- ۲۲۰ سؤالات .....

## بخش سوم: سرقت ..... ۲۵۳

- ۲۵۴ کلیات .....
- ۲۵۴ تعریف جرم سرقت .....
- ۲۵۴ تعریف لغوی سرقت .....
- ۲۵۵ تعریف اصطلاحی و قانونی سرقت .....
- ۲۵۶ شرح ماده قانونی مرتبط با تعریف سرقت .....
- ۲۵۹ قانون مجازات استفاده کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب ۱۳۹۶ .....
- ۲۶۴ سابقهٔ تقنینی جرم سرقت در حقوق ایران .....
- ۲۶۴ اقسام جرم سرقت در حقوق کیفری ایران .....

۲۶۵	فصل اول: سرقت مستوجب حد
۲۶۵	مبحث اول: ویژگی‌های کلی و بعضاً مشترک جرایم مستوجب حد با تاکید بر سرقت حدی
۲۷۰	مبحث دوم: ویژگی‌ها و احکام خاص سرقت مستوجب حد با شرح مواد قانونی مرتبط
۲۸۷	مبحث سوم: مجازات یا حد سرقت
۲۹۰	فصل دوم: سرقت‌های تعزیری
۲۹۰	مبحث اول: سرقت‌های تعزیری در قانون تعزیرات ۱۳۷۵
۲۹۰	گفتار اول: سرقت‌های مشدد
۳۱۴	گفتار دوم: سرقت ساده
۳۱۸	گفتار سوم: سرقت اموال تاریخی و فرهنگی
۳۱۹	مبحث دوم: سرقت‌های تعزیری در قوانین متفرقه کیفری
۳۲۲	فصل سوم: جرایم مرتبط با سرقت
۳۲۲	مبحث اول: مداخله در اموال مسروقه
۳۲۴	مبحث دوم: ربایش فاقد عنوان سرقت
۳۲۵	مبحث سوم: اعلام سرقت وسیله نقلیه موتوری توسط متصرف اعم از مالک یا غیر مالک
۳۲۶	فصل چهارم: شروع به سرقت
۳۲۶	مبحث اول: شروع به سرقت حدی
۳۲۷	مبحث دوم: شروع به سرقت تعزیری
۳۳۰	فصل پنجم: همکاری در جرم سرقت
۳۳۰	مبحث اول: شرکت در سرقت
۳۳۱	مبحث دوم: معاونت در سرقت
۳۳۳	سوالات

## **بخش چهارم: صدور چک پرداخت نشدنی**

۳۸۴	مبحث اول: اقسام چک
۳۸۷	مبحث دوم: مطالبه وجه چک‌های در حکم سند لازم الاجرا از طریق اجرای ثبت
۳۹۱	مبحث سوم: وظایف صادرکننده چک (جهت کیفری چک «۱»)
۳۹۵	مبحث چهارم: وظایف بانک نسبت به چک پرداخت نشدنی و اشخاص دخیل در موضوع چک
۳۹۸	مبحث پنجم: مقررات مربوط به دسته چک و تکلیف بانک در این رابطه
۴۰۰	مبحث ششم: مجازات جرم صدور چک بلامحل
۴۰۳	مبحث هفتم: اثر پرداخت وجه چک قبل از تاریخ شکایت کیفری (معافیت کیفری ۱)

۴۰۵.....	مبحث هشتم: جرم صدور چک از حساب مسدود (جهات کیفری چک «۲»)
۴۰۶.....	مبحث نهم: مرور زمان شکایت و افرادی که نسبت به جرم صدور چک بلامحل حق شکایت کیفری دارند
۴۱۱.....	مبحث دهم: گذشت شاکی یا پرداخت وجه چک قبل و بعد از تاریخ صدور حکم (معافیت کیفری ۲)
۴۱۲.....	مبحث یازدهم: مصادیق چک‌های غیر قابل تعقیب کیفری
۴۱۴.....	مبحث دوازدهم: دستور عدم پرداخت وجه چک
۴۱۷.....	مبحث سیزدهم: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم
۴۱۸.....	مبحث چهاردهم: دادگاه صالح برای رسیدگی به موضوعات مطرح شده در قانون صدور چک
۴۱۹.....	مبحث پانزدهم: ادله و امارات پرداخت وجه چک
۴۲۰.....	مبحث شانزدهم: قراردادهای تأمین کیفری در جرم صدور چک پرداخت نشدنی
۴۲۱.....	مبحث هفدهم: مباحث وکالت و نمایندگی در قانون صدور چک
۴۲۳.....	مبحث هجدهم: سایر مقررات مربوط به قانون صدور چک
۴۲۹.....	سوالات

## **۴۴۵..... بخش پنجم: تخریب**

۴۴۶.....	کلیات
۴۴۷.....	فصل اول: تعریف جرم تخریب
۴۴۷.....	۱- تعریف لغوی تخریب
۴۴۷.....	۲- تعریف اصطلاحی جرم تخریب
۴۴۷.....	فصل دوم: مصادیق جرم تخریب در قانون تعزیرات ۱۳۷۵
۴۴۷.....	الف- تخریب اموال تاریخی و فرهنگی
۴۵۹.....	ب- احراق، تخریب و اتلاف اموال و حیوانات
۴۷۳.....	قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۱۶ با آخرین اصلاحات تا سال ۱۳۹۷
۴۷۹.....	ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۰۶/۱۴ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۹
۴۹۲.....	پ- تخریب در زندان توسط زندانی
۴۹۵.....	ت- تخریب و اتلاف اموال و اسناد موجود در اماکن دولتی
۴۹۸.....	فصل سوم: مصادیق جرم تخریب در قوانین متفرقه
۴۹۸.....	الف- قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ (تخریب رایانه‌ای)
۵۰۱.....	ب- قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲
۵۰۳.....	قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه آهن مصوب ۳۱ فروردین ماه ۱۳۲۰

۵۰۷.....	قانون مجازات اخلاص گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳/۰۲/۰۲.....
۵۰۹.....	قانون راجع به مجازات اخلاص گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶/۰۷/۱۶.....
۵۱۱.....	پ- قانون مجازات اخلاص گران در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیما مصوب ۱۳۴۹.....
۵۱۲.....	سؤالات (موضوع جرم تخریب).....

## **۵۲۷..... قوانین متفرقه کیفری**

۵۲۷.....	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵.....
۵۳۰.....	قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ با اصلاحات سال ۱۳۸۴.....
۵۳۲.....	قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸/۰۱/۲۹.....
۵۳۳.....	قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۲ با اصلاحات ۱۳۹۷/۱۰/۱۵.....
۵۳۹.....	قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰.....
۵۴۱.....	قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ با اصلاحات ۱۳۹۷/۰۴/۳۱.....
۵۴۵.....	قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ با اصلاحات و الحاقات در مورخه ۱۴۰۰/۱۱/۱۰.....
۵۴۵.....	فصل اول: تعاریف، مصادیق و تشکیلات.....
۵۵۲.....	فصل دوم: پیشگیری از قاچاق.....
۵۵۷.....	فصل سوم: قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط، بارانه‌ای و ارز.....
۵۵۹.....	فصل چهارم: قاچاق کالاهای ممنوع.....
۵۶۲.....	فصل پنجم: قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای.....
۵۶۳.....	فصل ششم: جرائم مرتبط.....
۵۶۴.....	فصل هفتم: مقررات مربوط به دستگاه کاشف و کشف کالا.....
۵۶۶.....	فصل هشتم: مراجع صالح رسیدگی به جرم قاچاق.....
۵۶۹.....	فصل نهم: اموال ناشی از قاچاق.....
۵۷۳.....	فصل دهم: مقررات عمومی.....
۵۷۹.....	قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷/۰۱/۲۳.....
۵۸۱.....	قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۱۶.....
۵۸۲.....	چند نمونه از سؤالات قوانین متفرقه کیفری.....

## **۵۸۷..... فهرست منابع**



## پیشگفتار چاپ اول

بخشی از دیباچه گلستان سعدی اندیشمند و شاعر توانای ایران:  
«مَنْتَ خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو  
می‌رود ممدّ حیات است و چون بر می‌آید مفرّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر  
نعمتی شکری واجب.»

بنده همان به که ز تقصیر خویش  
عذر به درگاه خدای آورد  
ور نه سزاوار خداوندیش  
کس نتواند که به جای آورد.

استقبال دانشجویان و علاقمندان به حقوق کیفری و داوطلبین آزمون‌های حقوقی نسبت به کتاب قانون  
یار جزای اختصاصی (بخش جرایم علیه اشخاص) و وعده‌ای که اینجانب برای تکمیل مباحث حقوق  
جزای اختصاصی و دیگر دروس حقوق کیفری به صورت گام به گام و مرحله به مرحله دادم، مجموعه  
حاضر (جرایم علیه اموال و مالکیت) را در اختیار جامعه حقوقی قرار می‌دهم امید است که این اثر بتواند  
خواسته جامعه حقوقی کشور اعم از قضات و وکلا و سایر داوطلبین آزمون‌های حقوقی را فراهم آورد. در  
پایان از تمام اساتید دوران تحصیلم کمال تشکر و سپاس را دارم.

میشم مختارزاده

وکیل پایه یک دادگستری

دانش‌آموخته حقوق کیفری<sup>۱</sup> و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

تابستان ۱۴۰۲

۱- در بازنگری برنامه درسی رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی توسط شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در سال ۱۴۰۲ برنامه درسی و به تبع آن نام این رشته در مقطع ارشد و دکتری از برنامه درسی حقوق جزا و جرم و شناسی به برنامه درسی حقوق کیفری و جرم‌شناسی تغییر نام یافت.

## مقدمه

حقوق جزا طبق تعریف استاد عبدالحسین علی آبادی حاوی قواعد و قوانینی است که اجراء مجازات را در کشور تنظیم و تنسيق می‌کند. و حقوق جزای اختصاصی به عنوان یکی از اقسام حقوق جزا به مطالعه و چگونگی اجرای اصول کلی حقوق کیفری نسبت به هر یک از جرایم خاصی که در نصوص مختلف قانونی آمده است می‌پردازد. در واقع تجزیه و تحلیل فنی هر یک از جرایم به طور خاص و مجازات آن در حقوق جزای اختصاصی صورت می‌گیرد.

در یک تقسیم بندی، حقوق کیفری اختصاصی به سه حوزه جرایم علیه اشخاص جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم می‌شد ولی شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در سال ۱۳۹۴ حقوق جزای اختصاصی را در چهار گروه درسی جای داده است.<sup>۱</sup> با این که تقسیم بندی جدید هیچ تفاوتی در محتوای مطالب ندارد ولی به خاطر پیروی از سیاست آموزش عالی کشور و جابه جایی شماره دروس جزای اختصاصی که قطعاً اهداف خاص خود را دنبال می‌کند و این که از این پس دانشجویان رشته حقوق و علوم قضایی با این شیوه جدید باید سال تحصیلی را سپری کنند لذا نگارنده کتاب حاضر را بر آن داشت که هم راستا با شورای تحول و ارتقای علوم انسانی و هم گام با سایر اساتید معظم از این شیوه نوین پیروی کرده و آن را در حد توان و حیطة اختیارات خود در نظام آموزشی کشور پیاده کند. در این مجموعه جرایم علیه اموال و مالکیت در قالب جرایم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت، صدور چک بلامحل، تخریب کیفری و دیگر جرایم مرتبط مانند جرایم در حکم کلاهبرداری، اختلاس، تحصیل مال از طریق نامشروع و... به صورت شرح مواد قانونی مرتبط با هر جرم و مجازات آن، به همراه آراء و نظرات دکترین حقوقی، نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور و در برخی موارد آرای صادره از محاکم قضائی و ... مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

## جرایم علیه اموال و مالکیت<sup>۲</sup>

موضوع و بحث اصلی در رابطه با جرایم علیه اموال و مالکیت «نقض حقوق مالی یا نقض حقوق مالکانه» می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «مالکیت مشروع» را محترم شمرده است به عنوان مثال طبق اصل ۴۷ قانون اساسی: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و شرایط

۱- الف- حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اموال و مالکیت/ ب- حقوق جزای اختصاصی (۲) جرایم علیه مصالح عمومی کشور/ حقوق جزای اختصاصی (۳) جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص/ حقوق جزای اختصاصی (۴) جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص

آن را قانون معین می‌کند.» در راستای احترام به حقوق مالی افراد و صیانت از آن‌ها قاعده‌تاً می‌بایست ضمانت‌های اجرایی پیش‌بینی شود و قانون‌گذار نیز از طریق وضع قوانین، راهکارهایی را پیش‌بینی نموده است. یکی از این راهکارها جرم‌انگاری و تعیین مجازات در حوزه جرایم علیه اموال و مالکیت است. جرم‌انگاری رفتارهای علیه اموال و مالکیت، بیشتر در پرتو «اصل ضرر به دیگری» توجیه می‌شوند.<sup>۱</sup> این اصل در حقوق اسلام بیانگر قاعده «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضَرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» می‌باشد. دین اسلام حقوق مالی افراد را محترم می‌شمرد و از آن حمایت می‌کند تا جایی که به حقوق دیگران ضرری وارد نشود و تعرضی صورت نگیرد. والا در مقابل کسانی که به حقوق مالی دیگران تعرض کرده و آن را نادیده می‌گیرند واکنش نشان می‌دهد به عنوان مثال شارع مقدس در آیه ۳۸ سوره مائده برای جرم «سرقت» که یک نمونه بارز تعرض به حقوق مالی افراد است مجازات پیش‌بینی نموده است.<sup>۲</sup>

عبارت «جرایم علیه اموال و مالکیت» که به نقض حقوق مالی اشخاص مربوط می‌شوند با مفاهیم مندرج در حقوق مدنی (حقوق اموال و قراردادهای) ارتباط تنگاتنگی دارند. بنابراین لازم است در بررسی و تشریح جرایم مرتبط در این حوزه ابتدا ضابطه و معیارهای حقوق مدنی با دقت و ظرافت خاص مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

برخی از حقوقدانان معتقدند اصطلاح «جرم‌های مالی» را باید به جای اصطلاح «جرایم علیه اموال و مالکیت» به کار برد.<sup>۳</sup> چرا که در این گونه جرایم (البته به استثنای اتلاف در بحث خیانت در امانت و تخریب کیفری) خسارتی از رهگذر ارتکاب جرم به مال وارد نشده و فقط از سلطه مالکانه خارج می‌شود. با ذکر این مقدمه و بررسی اجمالی جرایم علیه اموال و مالکیت نگارنده کتاب حاضر در پنج بخش جداگانه به بررسی جرایم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت، صدور چک بلامحل و تخریب خواهد پرداخت.

۱- رستمی، هادی ۱۳۹۳ «جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال» پژوهش‌نامه حقوق کیفری دانشگاه

گیلان، سال پنجم، شماره اول: ص ۵۸

۲- «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» (آیه ۳۸ سوره مائده)

۳- نیازپور، امیر حسین ۱۳۹۶ «دانشنامه علوم جنایی اقتصادی» تهران، نشر میزان: ص ۳۰۷ الی ۳۱۱



**بخش اول: کلاهبرداری**

## تعریف کلاهبرداری

کلاهبرداری در اصطلاح لغوی مرکب از دو جزء «کلاه» و «برداری» است. در لغت نامه دهخدا در ذیل واژه «کلاه» آمده است: «کلاه کسی را برداشتن به معنای فردی را فریب دادن، مال کسی را تصرف کردن، یا با قصد عدم پرداخت از دیگری قرض گرفتن است. و کلاه بر سر کسی گذاشتن به معنای گول زدن، فریفتن و ربودن مال دیگری است. معادل انگلیسی آن Offences involving deception یا «جرایم متضمن فریب» می‌باشد هرچند واژه‌های Fraud و Cheat هم معادل آن به کار رفته‌اند. معادل عربی آن «لاحتیال» بوده و به شخص کلاهبردار «مُحتال» گفته می‌شود.

برای کلاهبرداری در اصطلاح حقوقی تعاریف مختلفی به کار رفته است <sup>۱</sup>

۱- کلاهبرداری «**بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل و عملیات متقلبانه.**» شروع به کلاهبرداری «**توسل توأم با سوءنیت به وسایل و عملیات متقلبانه برای بردن مال دیگری.**»<sup>۲</sup>

۲- «سلطه یافتن بر مال دیگری از راه عملیات متقلبانه و فریفتن و وادار کردن صاحب مال به تسلیم آن به قصد تملک.»<sup>۳</sup>

۳- «**تحصیل مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه**»<sup>۴</sup>

۴- «اعمال حیله و تقلب که منتهی به فریب دیگری و بردن مال او گردد.» تعریف مذکور در مورد کلاهبرداری رایانه‌ای صدق نمی‌کند زیرا در این مورد «فریب» مصداق نداشته و مال دیگری از طریق عملیات متقلبانه و نفوذ در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی برده می‌شود از این رو می‌توان کلاهبرداری رایانه‌ای را به بردن مال دیگری از طریق تقلب یا اختلال در سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی تعریف کرد.<sup>۵</sup>

۵- کلاهبرداری عبارت است از «**تحصیل متقلبانه مال غیر**» تقلب وصف رفتار مجرمانه و تحصیل نتیجه آن است. به نظر نگارنده کتاب حاضر تعریف نسبتاً کامل از کلاهبرداری عبارت است از «**مجموعه اقدامات و عملیات متقلبانه که شخص از روی عمد و آگاهی اشخاص را فریب داده و در نتیجه آن اقدامات اموال آن‌ها را تحصیل می‌نماید.**»

## جرم کلاهبرداری از منظر جرم‌شناسی

گسترش بزهکاری مبتنی بر حیله، نیرنگ و تزویر، توجه دانشمندان سده نوزدهم را به خود جلب کرد به طوری که غالب جرم‌شناسان بر این عقیده بودند که بزهکاری از اشکال خشونت آمیز خود به سمت اشکال تزویر آمیز و مبتنی بر حیله، تغییر مسیر یافته و متحول می‌شوند. کلاهبرداری که از نمونه‌های بزهکاری نیرنگ آمیز محسوب می‌شود عبارت است از به دست آوردن مال یا ارزش توأم با میل و اراده بزه دیده، با استفاده از تحرکات و مانورهای زیرکانه یا وسایل متقلبانه<sup>۶</sup> غالباً از کلاهبرداری تحت عناوینی چون «جرم جدید» یا «بحران قرن بیستم» یاد می‌شود شاید به این دلیل باشد که جرم در جوامع قدیم استقلالی نداشته است. برای مثال در حقوق روم کلاهبرداری در کنار سایر جرایم علیه

۱- حبیب زاده، جعفر ۱۳۹۷ «تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران» تهران، نشر دادگستر، چاپ ششم: ص ۲۳

۲- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ «حقوق کیفری اختصاصی (۲) جرایم علیه اموال و مالکیت»، تهران، نشر میزان، چاپ پنجاه و یکم: ص ۵۶

۳- زراعت، عباس ۱۳۹۲ «حقوق جزای اختصاصی (۲) جرایم علیه اموال و مالکیت»، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول: ص ۱۵

۴- گلدوزیان، ایرج ۱۳۹۳ «محشای قانون مجازات اسلامی» تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم: ص ۵۳۵

۵- آقائی نیا، حسین و رستمی، هادی ۱۳۹۷ «حقوق کیفری اختصاصی» جرایم علیه اموال و مالکیت» تهران، نشر میزان، چاپ اول: ص ۳۶

۶- نجفی ابراندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید ۱۳۹۵ «دانشنامه جرم‌شناسی» تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم: ص ۲۶۷

اموال، از قبیل، سرقت و خیانت در امانت، تحت عنوان واحدی یعنی (فورتوم) قابل مجازات بود<sup>۱</sup>. امروزه کلاهبرداری از جمله جرایم مبتلا به همه کشورهای دنیا محسوب می‌شود و چون معمولاً از ناحیه افرادی با بهره هوشی بالا ارتکاب می‌یابد، غالباً جزء جرایم یقه سفیدان محسوب می‌گردد<sup>۲</sup>. اصطلاح جرایم یقه سفیدان نخستین بار توسط «ادوین ساترلند» مطرح شد وی در سال ۱۹۴۹ میلادی اثر بدیع خود یعنی «جرم یقه سفیدها» را منتشر کرد. مجرمان یقه سفید دارای استعداد و بهره هوشی بالا بوده و همچنین انطباق و سازگاری آن‌ها نیز در حد بالایی می‌باشد. به تعبیر دیگر این جرم بیشتر توسط اشخاص برخوردار از مناصب و موقعیت‌های عالی اجتماعی صورت می‌گیرد. البته فرقی نمی‌کند این شخص موقعیت و منصب را به نحو صحیح و درست به دست آورده باشند یا به دروغ و حيله خود را شخص با منصب بالا و معتبر معرفی کند.

جرم شناسان در (علت شناسی کلاهبرداری) آن را از چندین جنبه مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند<sup>۳</sup>

(الف) از لحاظ شخصیت مرتکب: در طرح شخصیت کلاهبرداران، مطالعات پلیس آلمان در قرن نوزدهم نشان می‌دهد که کلاهبرداران دارای خصوصیتی از قبیل: سوءاستفاده از هم نوعان، فقدان خود کنترلی و ... بودند. در مطالعات جرم شناسی بالینی قدیمی گونه شناختی زیستی که توسط آگوست لی بر روی کلاهبردارانی که مرتکب تکرار این جرم شده بودند نشان داد که در بین ۱۵۰ کلاهبردار مورد آزمایش نیمی از آنان، طبق گونه شناسی کرچمر از نوع «پیک نیک» بودند. (گونه «پیک نیک» نسبت به گروه استخوانی و لاغر اندام، خونگرم و معاشرتی هستند.) شخصیت کلاهبرداران مطابق فاکتور روان نژدی که محصول مطالعات «دوپره» و «تروپر» بود به سه دسته تقسیم می‌شد:

۱- خرافه پرستی مبتنی بر خودخواهی ۲- خرافه پرستی مبتنی بر شرارت ۳- خرافه پرستی مبتنی بر انحراف.

«زگر» در سال ۱۹۵۹ نیز در مطالعات خود نسبت به شخصیت کلاهبرداران به این نتیجه رسید که کلاهبرداران در برقراری ارتباط با واقعیت دارای مشکل هستند، لذا ایشان این دسته از کلاهبرداران را به کلاهبرداران نسجیده و اهل برنامه ریزی تقسیم می‌کنند<sup>۴</sup>.

(ب) رویکردهای وضعی: جرم شناسان معاصر ارتکاب جرم کلاهبرداری را با (نظریه فرصت) تبیین می‌کنند.

(پ) بزه دیده شناسی کلاهبرداری: از خصوصیات قربانی و بزه دیده جرم کلاهبرداری، «ساده لوحی» «زود باوری» و «نامعین بودن بزه‌دیده‌گان» این جرم است.

۱- شامبیاتی، هوشنگ ۱۳۹۳ «حقوق جزای اختصاصی جلد دوم» تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم: ص ۱۳۸

۲- جرم یقه آبی‌ها جرمی است که از نقطه نظر شخص بزهکار در نقطه مقابل جرم یقه سفید قرار دارد و این جرم توسط افراد و گروه‌های پایین‌تر در اجتماع صورت می‌گیرد. در واقع فرق بین مجرمین یقه سفید با یقه آبی این است که معمولاً مجرمین منتسب به گروه یقه آبی یا یقه چرکین افرادی هستند که بیشتر از توانمندی جسمی استفاده می‌کنند و مرتکب جرائم خشونت آمیز می‌شوند که برنامه‌ریزی نمی‌خواهد و پیچیدگی ذهنی نمی‌طلبد، اما یقه سفیدها از هوش و استعداد ذهنی استفاده می‌کنند، قانون و ضوابط را دور می‌زنند. از لحاظ آمار قضایی مجرمین یقه سفید تعداد بسیار کمی را در بر می‌گیرند و در مقایسه با مجرمین یقه آبی از لحاظ عددی بسیار ناچیزند. اما واقعیت چیز دیگری است و آن این که اولاً تخریب ناشی از جرائم آنان بیشتر از خسارت تمام مجرمین یقه آبی است. جرم یقه طلایی‌ها جرمی است که معمولاً توسط افراد با مناصب بالا و خانواده آن‌ها و یا افرادی که به نوعی با آن‌ها در ارتباطند صورت می‌گیرد و عمدتاً آن‌ها از رانت اعم از اطلاعاتی یا ارتباطی استفاده می‌کنند و یا سازمان دهندگان گروه‌هایی هستند که در نهایت با قدرتی که دارند نظام قضایی و اجرایی و تقنینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و معمولاً نظام قضایی هر کشوری موفق به برخورد با آنان نمی‌شود و اگر بشود در موارد بسیار نادر می‌باشد. (بزهکاری دانه درشت اصطلاحی است که هم پوشانی با جرایم یقه سفیدها و در واقع یقه طلایی‌ها دارد.) جرم یقه سرخ‌ها طیفی از مجرمین یقه سفید هستند که ضمن برخورداری از ظرفیت جنایی و توانایی تطبیق‌پذیری اجتماعی بالا، واجد اختلال‌های روانی از قبیل خودشیفتگی و شخصیت ضداجتماعی هستند؛ ایشان اگرچه در ابتدا، مرتکب جرایم مالی و اقتصادی می‌شوند، اما از آن جا که در ادامه با خطر کشف و افشای جرایم خویش توسط نزدیکان، شرکای تجاری و کارمندان مواجه می‌شوند، دست به جرایم خونین می‌زنند و نسبت به حذف فیزیکی آن‌ها اقدام می‌نمایند. بنابراین، موضوع جرایم آنان تمامیت جسمانی و جان افراد است که صیان از این مهم در اولویت جرم‌شناسی پیشگیری قرار می‌گیرد. (دارابی، شهرداد ۱۳۹۷ «پیشگیری از جرایم خونین یقه سرخ‌ها» پژوهش نامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، سال نهم، شماره دوم: ص ۱۳۳ الی ۱۵۴)

۳- ابراهیمی، شهرام ۱۳۹۳ «جرم شناسی بزهکاری اقتصادی» نشر میزان: ص ۱۰۲ الی ۱۰۹

## رابطه جرم کلاهبرداری و جرایم اقتصادی

کلاهبرداری جزء جرایم مربوط به اموال است و عده‌ای جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می‌دانند ولی مفهوم جرم اقتصادی با جرایم مالی از نظر طبیعت یا ماهیت و هدف متفاوت است. در جرایم مالی، مصلحت خزانه دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص حقوق خصوصی و عمومی است مانند اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی. ولی در جرایم اقتصادی، هدف اولیه و اساسی، حفظ و حمایت از سیستم اقتصادی یعنی ساختارهای مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مال و ثروت است مثل پولشویی و اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور. رابطه جرایم اقتصادی با جرایم تجاری، عموم و خصوص من وجه است و در پاره‌ای موارد این دو هم‌پوشانی دارند. جرایم تجاری، آن دسته از رفتارهای قابل مجازات را شامل می‌شود که در روابط میان تجار یا مرتبط با فعالیت تجاری صورت می‌گیرد. اگر جرایم تجاری در سطح کلان اقتصادی رخ دهد و اقتصاد ملی را تهدید نماید می‌تواند جرم اقتصادی قلمداد شود. بنابراین می‌توان گفت جرایم تجاری بخشی از جرایم اقتصادی است و نه همه آن. جرایم مربوط به بورس می‌تواند مصداق این گونه جرایم باشد که اگر در سطح وسیعی بر بازار بورس تأثیر گذاشته و معاملات بورسی را مختل نماید، تحت عنوان جرم اقتصادی قابل شناسایی است.<sup>۱</sup> نیکالکو، حقوق دان و جرم شناس سوئسی، جرم اقتصادی را یک مفهوم عمومی می‌داند که مجموعه‌ای از جرایم متضمن لطمه به نظم اقتصادی یا نظام روابط تجاری و کسب و کار در یک جامعه را شامل می‌شود و معمولاً در چارچوب فعالیت‌های حرفه‌ای، شرکت یا مدیریت آن (جرایم شرکتی) ارتکاب می‌یابد. بر اساس این تعریف، دو دسته از جرایم را می‌توان برشمرد: اول: **جرایم اقتصادی علیه مقررات دولتی**، یعنی فعالیت‌های مجرمانه علیه اقتصاد دولتی، بودجه عمومی حمایت از مصرف کننده و محیط زیست. دوم: **جرایم حوزه کسب و کار و تجارت**؛ یعنی مجموعه جرایم ارتکابی دنیای کسب و کار و تجارت که معمولاً توسط صاحبان حرفه‌های تخصصی و از طریق نقض قانون در روابط تجاری مانند رویه‌های ضدرقابتی سوءاستفاده از اعتماد، حُسن نیت و... ارتکاب می‌یابد. برخی نویسندگان معتقدند جرایم اقتصادی به رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که موجبات زیان به نظام تولید، توزیع و مصرف را فراهم می‌سازد. عده‌ای نیز بر این باورند که مقررات کیفی نشان می‌دهد مراد قانون‌گذار از جرایم اقتصادی، جرایمی است که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، دادوستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، أخذ رشوه، أخذ کمیسیون و إعطای تسهیلات غیرقانونی به نفع خود یا دیگری ارتکاب می‌یابد. طبق این تعریف، جرایمی مانند اختلاس، ارتشاء، قاچاق و خرید و فروش کالای ممنوع، احتکار و عضویت در شرکت‌های هرمی نیز در دایره شمول **جرایم اقتصادی** قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup> با توجه به تعبیر مختلف از جرایم اقتصادی قانون‌گذار در ماده ۳۶ و بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصادیق مختلف جرم اقتصادی را بیان نموده است. و در این رابطه اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۲/۱۶۹۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۰۳ بیان می‌دارد: «با عنایت به ملاک بند (ب) ماده ۱۰۹ ق.م.ا مقصود از جرایم اقتصادی مذکور در بند (ج) ماده ۴۷ ق.م.ا، جرم کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون است.» با این وصف به نظر می‌رسد رابطه بین جرم کلاهبرداری و جرایم اقتصادی طبق تعاریف آن‌ها **عموم خصوص من وجه** باشد.

## جرم کلاهبرداری از دیدگاه حقوق اسلامی

همان‌طور که طبق اصل ۴ قانون اساسی کلیه مقررات و مصوبات مراجع قانون‌گذاری باید براساس موازین اسلامی باشد بررسی جرایم از حیث حقوق اسلامی واجد اهمیت است، جرم کلاهبرداری هم از جمله جرایمی است که علاوه بر پیشینه

۱- میر سعیدی، سید منصور و زمانی، محمود ۱۳۹۲ «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟» پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، ص ۱۶۸  
 ۲- ابراهیمی، شهرام و صادق نژاد نائینی، مجید ۱۳۹۲ «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی» پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم، ص ۱۵۲



اسلامی دارای مبانی محکم فقهی است در قرآن کریم به نوعی به بحث کلاهبرداری اشاره شده است و بخشی از آیه ۲۹ سوره نساء و آیه ۱۸۸ سوره بقره با عبارت «... لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل...» دلالت بر حرمت جرم کلاهبرداری دارند. از اطلاق و عموم آیات مذکور استنباط می‌شود که تصرف در مال غیر به هر طریقی غیر از آن چه شارع مقدس جایز دانسته خواه از طریق ظلم و تعدی و آن چه در حکم آن‌ها است و خواه از راه تزویر و نیرنگ و مانند آن و انواع تقلب در امور اقتصادی و تجاری باطل و حرام است. در روایات کلاهبرداری، تدلیس و غش، هر سه مبتنی بر دروغ و تزویر هستند و ادله حرمت دروغ و تزویر بیان‌گر حرمت آن‌ها می‌باشد. فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که غش و تدلیس از مکاسب محرّمه است و در این باره ادعای اجماع شده است. در روایتی از حضرت علی (ع) آمده است: «إِنَّ الْفَجُورَ وَالْخِيَانَةَ فِي النَّارِ» یعنی مرتکب خدعه و فریب در ردیف افراد هرزه و خائن قرار دارند و به عذاب اُخروی انذار داده شده‌اند.<sup>۱</sup> در کتاب فقهی شرح لمعه شهید ثانی در خصوص مجازات «شخص محتال» آمده است: «... و لا المحتال علی أخذ الاموال بالرسائل الکاذبه و نحوها بل یعزر کل واحد منهم بما یراه الحاکم...» یعنی «...شخص محتال که با نیرنگ و نامه‌های جعلی و مانند آن اموال مردم را به چنگ می‌آورد همانند مختلس و مستلب حکم قطع دست ندارد و او به میزانی که حاکم معین کند تعزیر می‌گردد...».

### وجه افتراق و اشتراک بین کلاهبرداری و سایر جرایم علیه اموال و مالکیت

در خصوص جرم کلاهبرداری آن چه که این جرم را از سایر جرایم علیه اموال متمایز می‌کند آن است که در بیشتر جرایم علیه اموال، مال بدون رضایت مالک و حتی از طریق توسل به خشونت به مجرم منتقل می‌شود. اما در کلاهبرداری، شخص کلاهبردار به گونه‌ای رفتار می‌کند که صاحب مال فریب خورده و خود با رضایت و میل آن مال را در اختیار کلاهبردار قرار می‌دهد. به همین خاطر می‌توان چنین عقیده داشت که کلاهبرداران معمولاً هوش بسیار بالایی دارند. زیرا باید سعی کنند از طریق فریب دادن طرف مقابل با رضایت وی مال او را در اختیار بگیرند.<sup>۲</sup> حال با این مقدمه جهت آشنایی با برخی از این تفاوت‌ها و شباهت‌ها کلاهبرداری را با برخی از جرایم مالی مقایسه می‌کنیم  $\Leftarrow$

ووجه افتراق  $\Leftarrow$  در کلاهبرداری یکی از ارکان مادی جرم بردن مال دیگری از طریق توسل به وسایل متقلبانه است یعنی کیفیت چگونگی حصول مال مهم است. در حالی که در سرقت رکن رکن آن ربودن مال غیر چه با تقلب و چه بدون تقلب می‌باشد. یعنی در سرقت کیفیت به دست آوردن مال دیگری، چندان اهمیتی ندارد. (دقت شود تقلب به کار رفته در سرقت برای این است که شرایط ربودن مال فراهم شود و سارق مال را از دست مالک درآورد و آن را بر باید ولی تقلب در کلاهبرداری برای این است قربانی فریب خورده و مال را به اصطلاح ساده تر دو دستی تقدیم کلاهبردار کند.) در واقع در ذات ربودن عدم رضایت و عدم اطلاع مال باخته می‌باشد ولی در ذات بردن رضایت توأم با اغفال و فریب بزه دیده نهفته است. موضوع جرم کلاهبرداری اموال منقول و غیر منقول است در حالی که موضوع جرم سرقت اموال منقول می‌باشد. در خیانت در امانت تسلیم مال توسط امانت گذار شرط مقدم بر رفتار مجرمانه مرتکب است و نتیجه مجرمانه محسوب نمی‌شود در حالی که در کلاهبرداری تسلیم مال توسط مال باخته بخشی از نتیجه مجرمانه می‌باشد. به عبارت دیگر کلاهبرداری متضمن عنوان فریب بوده و اغفال مقدم بر تسلیم است در حالی که خیانت در امانت متضمن عنوان رضا بوده و اراده آزاد مقدم بر تسلیم مال است.

ووجه اشتراک  $\Leftarrow$  اصولاً جرایم علیه اموال عمدی، آنی و مقید به نتیجه هستند و برای تحقق آن‌ها علاوه بر سوءنیت عام سوءنیت خاص نیز لازم می‌باشد.<sup>۳</sup>

۱- حبیب زاده، جعفر ۱۳۹۷ «منبع پیشین» ص ۶۲ الی ۷۳

۲- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ «منبع پیشین» ص ۲۹

۳- حبیب زاده، جعفر ۱۳۹۴ «سرقت در حقوق کیفری ایران» تهران، نشر دادگستر، چاپ سوم: ص ۴۹ الی ۵۴

## سیر تاریخی و تحولات تقنینی جرم کلاهبرداری

هرچند که از قوانین مدون ایران باستان در دوران هخامنشیان و ساسانیان اسناد و مدارک قابل توجهی در این زمینه در دسترس نیست. با این وجود مطالعه تاریخ تحولات حقوق کیفری سابقه و نشانه‌هایی از آثار این بزه را در الواح دوازده گانه و حقوق روم باستان به دست می‌دهد. چرا که در حقوق روم تدلیس (تحصیل منفعت و مالی از دیگری با فریب وی) جنبه کیفری داشته و جرم محسوب می‌شده و این امر تا اواخر دوران اقتدار روم ادامه داشته است اما پس از آن در اثر تغییر و تحولاتی که در این مورد صورت پذیرفت تدلیس به دو نوع تقسیم گردید. قسمی از آن که شامل بازرگاری‌های تجار به منظور عرضه مال استجاره‌هایشان می‌شد یا از مقوله فریب دادن دزد یا دشمن محسوب می‌گردید، که دلالت بر هوشیاری و زرنگی داشت و جایز تلقی می‌شد ولی نوع دیگر آن که تحصیل اموال دیگری با فریب بود جرم به شمار می‌رفت هرچند که این تقسیم و تمایز تدریجاً منسوخ گردید و واژه تدلیس منحصرأً برای تداعی همان مفهوم جزایی آن استعمال شد. به هر تقدیر در این سیر تحول قلمرو و شمول تدلیس دارای توسعه و تضییق بوده به گونه‌ای که زمانی دامنه آن اعم از تدلیس مدنی و کیفری می‌شده است و زمانی دیگر حتی قلمرو تدلیس کیفری نیز محدود گردیده است.<sup>۱</sup> در نظام حقوقی ایران مقررات مربوط به بزه کلاهبرداری برای اولین بار با اقتباس از ماده ۴۰۵ قانون مجازات فرانسه در ماده ۳۰۰ قانون جزای عرفی مصوب پنجم جمادی الاول ۱۳۲۵ ه.ق مورد حکم قرار گرفت سپس در ادامه تغییر و تحولات این قانون این موضوع در ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به صورت زیر انشاء شد (هر کس به وسایل تقلبی متوسل شود برای این که مقداری از مال دیگری را ببرد یا از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها یا کارخانه‌های موهوم و امثال آن یا به داشتن اختیارات یا اعتبارات موهومه مغرور کند یا به امور غیر واقع امیدوار کند یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان یا سمت مجعول اختیار نماید و به یکی از طرق مزبوره وجوه یا اسناد و بلیط‌ها و قبوض و مفاصاحساب و امثال آن به دست آورد و از این راه مقداری از اموال دیگری را بخورد به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و یا به تادیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد و اگر شروع به این کار کرده ولی تمام نکرده باشد به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال و به غرامت از بیست الی دویست تومان محکوم خواهد شد و ممکن است در صورت تکرار مرتکب را در مدت یک تا پنج سال از اقامت در محل مخصوص منع کرد). متعاقباً در ۲۴ دی ماه سال ۱۳۱۴ به دلیل وجود برخی از ابهامات و تردیدهای حاصل از متن ماده مذکور و جلوگیری از برداشت‌های دوگانه و استنباط‌های متفاوت از قرائت و مفاد و مدلول این ماده تفسیر آن به صورت یک ماده واحده به تصویب رسید.

ماده واحده- (مقصود از توسل به وسایل تقلبی برای بردن مال غیر مذکور در ماده ۲۳۸ قانون مجازات اعم از این است که حیله و تقلب را در خارج اعمال کنند و یا در ضمن جریان امر در ادارات ثبت تا سایر ادارات دولتی یا محاکم و مقصود از جمله اگر شروع به این کار کرده ولی تمام نکرده باشد اعم از این است که به فرض تمام کردن مالی که مقصود داشته به دست می‌آورده یا به جهاتی نتیجه به او نمی‌رسیده است) در تغییرات و دگرگونی حاصل در قانون مجازات عمومی که در سال ۱۳۵۲ صورت پذیرفت شماره ماده موصوف بدون تغییر ماند اما در متن آن تغییراتی حاصل شد که اسلوب آن را کامل‌تر و مفهوم آن را روشن‌تر ساخت. به علاوه یک سری جهات به عنوان عوامل مشدده در ادامه متن ماده اضافه شد و مجازات شروع به جرم آن نیز در قالب یک تبصره ذکر شد. ماده ۲۳۸ اصلاحی ۱۳۵۲- (هرکس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اختیارات واهی مغرور کند یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند یا اسم یا عنوان یا سمت مجعول

اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور یا وسایل تقلبی دیگر وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال و پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا صد هزار ریال محکوم می‌شود در صورتی که مرتکب عنوان یا سمت مجعول مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها اتخاذ کرده یا این که جرم با استفاده از تبلیغ عام از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو تلویزیون روزنامه و مجله یا نطق در مجامع یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از اشخاص مذکور در ماده ۲ قانون تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت بوده و به سبب شغل و وظیفه مرتکب جرم شده باشد به حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره: مجازات شروع به کلاهبرداری در مواردی که جنحه محسوب می‌شود حداقل مجازات آن جرم است). در این جا ملاحظه می‌شود در ماده ۲۳۸ اصلاحی سال ۱۳۵۲ اولاً از واژه حبس جنحه‌ای به جای حبس تأدیبی استفاده شده است و حداکثر مجازات حبس نیز از دو سال به سه سال تغییر یافته و میزان جزای نقدی نیز افزایش مجازات افزایش یافته است. با پیروزی انقلاب اسلامی و تبدیل و تغییر قانون مجازات عمومی به قانون مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) ماده قانون اخیرالذکر با تغییرات جزئی در متن و مجازات به عنوان ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۲ جای گرفت. سرانجام در سال ۱۳۶۴ نظر به رشد روز افزون بزه کلاهبرداری و وقوع چند فقره کلاهبرداری بزرگ و در حد وسیع در کشور مقنن تشدید مجازات این جرم را ضروری دانست و نتیجتاً قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در ۲۸ شهریور ماه همین سال در هشت ماده و چهارده تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ولی به دلیل ایرادات و اختلاف نظر شورای نگهبان با مجلس شورای اسلامی بر اساس قانون اساسی، این قانون به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع که نهایتاً در تاریخ ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ با اصلاحات به تأیید و تصویب مجمع می‌رسد.

## کلاهبرداری ساده و مشدد

### شرح ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

**ماده ۱-** «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر، وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها را که تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود. (کلاهبرداری عادی)

در صورتی که شخص مرتکب بر خلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراهای یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا این که جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمت دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود. (کلاهبرداری مشدد)

**تبصره ۱-** (منسوخ طبق ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹)

**تبصره ۲-** مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنان چه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم‌تراز آنها باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. (مجازات شروع به کلاهبرداری که باید طبق قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به ماده ۱۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مراجعه کرد.)

### نکته ۱: عنصر قانونی جرم کلاهبرداری ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری است

اما برخی از حقوقدانان از جمله استاد علی شجاعی معتقدند از لحاظ اصول و مقررات حقوقی این ماده و در کل این قانون، از اعتبار برخوردار نیست چرا که مرجع قانون گذاری نسبت به این ماده مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و مصوبه آن (مجمع تشخیص در سال ۱۳۶۷ هنوز مرجع قانون گذاری به حساب نمی‌آمد بلکه در سال ۱۳۶۸ در بازنگری قانون اساسی به عنوان مرجع قانون گذاری در موارد خاص شناخته شد) غیر قانونی است! جدا از اظهار نظر دکتر علی شجاعی و صحت و سقم آن، در خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظام قانون گذاری ابهامات و سؤالاتی

۱- می‌توان در این رابطه به بحث مشتق در اصول فقه و ادله برخی از اصولیین رجوع کرد و گفت چون سال تصویب یک سال قبل از بازنگری قانون اساسی بوده و استعمال لفظ مقنن در سال ۱۳۶۷ به مجمع تشخیص مصلحت نظام که در سال ۱۳۶۸ به عنوان یک نهاد قانون گذاری شناخته شده مجاز است.

وجود دارد که باید برای واکاوی آن به ادله موافقان و مخالفان مراجعه نمود.<sup>۱</sup>

در خصوص عنصر قانونی جرم کلاهبرداری باید گفت: ماده ۱ قانون تشدید به نوعی تکرار ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ است که این ماده در سال ۱۳۱۴ طی یک ماده واحده تفسیر شد و در سال ۱۳۵۵ قانون گذار ایران مجازات کلاهبرداری را برای نخستین بار به اعتبار اتخاذ سمت یا عنوان مجعول و استفاده از تبلیغ عامه، براساس «ماده واحده راجع به قانون اصلاح قانون تشکیل دیوان کیفر و بعضی از مواد قانون مجازات عمومی و الحاق چهار ماده به قانون مجازات عمومی» تشدید نمود. کلاهبرداری پس از انقلاب در سال ۱۳۶۲ در ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات تصویب شد با این مشخصه که در این ماده به دلیل سال‌های ابتدایی انقلاب و لزوم استفاده حداکثری از تأسیسات فقه و شریعت اسلام، مجازات شلاق جزء مجازات‌های اصلی کلاهبرداری قرار گرفت و مجازات جزای نقدی حذف شد. در ضمن مجازات شروع به کلاهبرداری هم ۷۴ ضربه شلاق تعزیری تعیین شده بود. دو سال بعد در سال ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری را تصویب نمود اما شورای نگهبان از تأیید آن خودداری نمود تا این که در سال ۱۳۶۷ به تأیید و تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

**نکته ۲:** نمونه‌های دیگری از کلاهبرداری در قوانین ایران وجود دارند که یکی از آن‌ها نتیجه پیشرفت تکنولوژی است و این ویژگی خاص و متکی به تکنولوژی پیشرفته، که آن را از کلاهبرداری سنتی متمایز می‌سازد «**کلاهبرداری کامپیوتری و رایانه‌ای**» است که در ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۷۴۱ (در قالب ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸) که شماره مواد آن ادامه دهنده بعد از آخرین ماده قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد و به این قانون ملحق شده، پیش بینی گردیده‌اند.<sup>۲</sup>

**نکته ۳:** بررسی عنصر مادی در جرم کلاهبرداری  $\Leftarrow$

۱-۳ رفتار فیزیکی مرتکب در جرم کلاهبرداری باید به شکل «**فعل مثبت**» باشد. بر این اساس ترک فعل حتی با سوءنیت و اضرار به غیر نمی‌تواند عنصر مادی جرم کلاهبرداری باشد. (البته در فرض تبانی احتمال کلاهبرداری می‌رود) در ماده ۱ قانون تشدید به کار رفتن عباراتی چون «فریب دهد»، «امیدوار نماید» و «بترساند» حاکی از ارتکاب فعل مجرمانه به صورت مثبت است. در ضمن به کارگیری حيله و تقلب و بردن مال غیر که جزء ارکان اصلی کلاهبرداری می‌باشند نمایان گر فعل مثبت مادی هستند. (مثال ۱)  $\Leftarrow$  **سؤال** = اگر شخص A به گمان این که به شخص B بدهکار است مبلغی پول به او بدهد و B هم با سکوت خود و با علم به این که طلبکار نیست آن را بپذیرد آیا کلاهبرداری رخ داده است؟ **پاسخ** = خیر به دلیل این که کلاهبرداری با ترک فعل مانند سکوت محقق نمی‌شود. (مثال ۲) دریافت مدد معاش توسط کارمند دولت در حالی که دخترش ازدواج کرده عمل او بر اساس قوانین ایران کلاهبرداری نیست زیرا این کارمند تنها موضوع را به مقامات اطلاع نداده است. (مثال ۳) صرف عدم ذکر عیوب مبیع<sup>۳</sup> توسط فروشنده از موجبات کلاهبرداری نمی‌باشد. چرا که او ترک فعل کرده و تنها از حیث شرعی قراردادی بهره برده است. (مثال ۴) شخص X به عنوان متصدی فروش سهام شرکت علیرغم آگاهی از وضع بد بازار و اوضاع نامطلوب شرکت آن را به شخص Y که متقاضی خرید سهام است بفروشد و موجب ضرر زیادی به او شود عمل او کلاهبرداری نیست. زیرا شخص X تنها ترک فعل کرده هر چند از لحاظ اخلاقی عمل او مذموم است اما مطابق قوانین ایران کلاهبرداری نیست.

۱- جهت بررسی حدود صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام شود به  $\Leftarrow$  راجی، سید محمد هادی و ایریشمی راد، محمد امین ۱۳۹۷ «تأملی بر حدود صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در تأیید مصوبات مغایر با قانون اساسی» فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دوره ۴۸، شماره ۳: ص ۵۰۷ الی ۵۲۳ / سایبانی، علیرضا و علوی، سید عبدالله ۱۳۹۵ «بررسی کارکردی مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی» ماهنامه پژوهش، دور دوم شماره ۱۵: ص ۹۱ الی ۱۰۱  
 ۲- پیش از تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ کلاهبرداری کامپیوتری را پیش بینی کرده بود.  
 ۳- دلیل این که گفته شد «صرف» عدم ذکر عیوب یعنی تنها کاری که فروشنده کرده سکوت بوده است و نه چیز دیگر و آن هم به این خاطر است که اگر آن را فاقد عیب معرفی کند یا این که برای آن مبیع تبلیغ کرده باشد به شرط احراز فریب، احتمال انتساب جرم کلاهبرداری به او وجود دارد.

۳-۲- اگر در فرآیند ارتکاب جرم دو نفر مداخله داشته باشند به نحوی که یکی از آن‌ها ترک فعل کند و دیگری با فعل مثبت مرتکب رفتار مجرمانه کلاهبرداری شود (**ترک فعل به همراه فعل مثبت**) در این موارد تکلیف چیست؟ در این گونه موارد اگر مجموع (ترک فعل + فعل مثبت) با هم موجبات تحقق کلاهبرداری را فراهم کرده باشند قطعاً کلاهبرداری محقق است. (مثال) اگر شخص A با انجام فعل مثبت مثل استعمال عنوان جعلی برای شخص B او را مدیرعامل شرکت تولید قطعات خودرو معرفی کند و شخص B هم با ترک فعل (سکوت) خود و آگاهی از اقدامات متقلبانه به نوعی به شخص قربانی جرم یعنی C این را تلقین نماید که او مدیرعامل شرکت بوده در این جا هم شخص A و هم شخص B محکوم به کلاهبرداری می‌شوند و شخص B در صورت اطلاع از اقدامات متقلبانه و نقش سکوت او در فریب قربانی به این بهانه که عملیات بنده تنها ترک فعل بوده نمی‌تواند از اتهام انتسابی شانه خالی کند.

### ۳-۳- ارکان اصلی برای تحقق جرم کلاهبرداری

الف- استفاده از حیله و تقلب.

ب- اغفال و فریب قربانی.

ج- بردن مال دیگری (تعلق مال برده شده به غیر).

شرط «الف» (یعنی حیله و تقلب یا وسایل تقلبی) یک معیار نوعی است که عرف جامعه آن را حیله و تقلب تلقی می‌کند.

شرط «ب» (یعنی اغفال و فریب بزه دیده) یک معیار شخصی است که در آن شخص عملاً فریب بخورد.

برای اثبات جرم کلاهبرداری هر دو شرط لازم است و وجود یکی به معنای تحقق دیگری نیست.

## الف- استفاده از حیله و تقلب

استفاده از حیله و تقلب یا بهره‌گیری از وسایل تقلبی: این رکن مادی جرم کلاهبرداری اشاره به نقش «وسيلة ارتکاب جرم» دارد.

وسيلة در جرم کلاهبرداری حائز اهمیت است البته گفته شده در برخی جرایم وسیله موضوعیت ندارد<sup>۱</sup> مثل قتل عمد و سرقت. این جمله تا حدودی درست است ولی در تعمیم آن به جرایمی که برای آن صورت‌های مختلفی قابل تصور است باید دقت کرد. در قتل عمد که حالات مختلفی دارد در برخی صور آن وسیله مهم است برای مثال در جرم قتل عمد موضوع بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا. وسیله نوعاً **کشنده** واجد اهمیت است ولی مصادیق آن می‌تواند مختلف باشد مانند (چاقو، اسلحه و....) در جرم کلاهبرداری هم **وسيلة تقلبی** اهمیت دارد اما مصادیق آن مثل حالتی که در متن ماده ۱ قانون تشدید مثل (وجود شرکت‌ها یا مؤسسات موهوم، اسم یا عنوان مجعول و....) آمده می‌تواند متفاوت باشد به عبارت دیگر در کلاهبرداری وصف **تقلبی بودن وسیله موضوعیت** داشته اما مصادیق آن **طریقیت** دارند.

**تأکید بر نقش تقلبی بودن وسایل در تحقق جرم کلاهبرداری در آرای دیوان عالی کشور:**

رای شماره ۱۱۸۳ مورخ ۱۳۱۶/۰۶/۰۱ شعبه پنجم دیوان عالی کشور: «اگر کسی مبلغی از دیگری بگیرد و به او رسید دهد که هر وقت مورد احتیاجش شد، مسترد کند عدم استرداد وجه مزبور مشمول هیچ یک از مواد جزائی نیست.»

رای شماره ۳۰۷ مورخ ۱۳۲۰/۱۰/۳۰: «دادگاه باید در حکم خود چگونگی عمل متهم را در گرفتن وجه از شاکی بیان نماید تا معلوم شود تقلبی که وسیله استفاده قرار داده شده چه بوده است.»

رای شماره ۹۶ مورخ ۱۳۲۳/۰۶/۲۳ شعبه هشتم دیوان عالی کشور: «صرف گرفتن وجه از اشخاص برای وارد کردن آن‌ها

به خدمت دولتی و عدم انجام تعهدات نمی‌تواند دارای جنبه کیفری و مشمول عنوان کلاهبرداری گردد.» [چرا که طبق مقررات توسل به وسایل تقلبی باید محقق گردد].

رأی شماره ۲۶۶۶ مورخ ۱۳۲۱/۰۹/۱۵ شعبه هشتم دیوان عالی کشور: «صرف گرفتن وجه از کسی دارای جنبه کیفری نخواهد بود، به عبارت دیگر مادام که ارکان و عناصر اختصاصی بزه کلاهبرداری از جمله به کار بردن حیله و تقلب در گرفتن وجه یا یکی از شقوق دیگر آن ماده است محرز نگردد حکم به تقصیر مورد نخواهد داشت.»

رأی شماره ۸۲۷ مورخ ۱۳۲۸/۰۵/۱۶ شعبه هشتم دیوان عالی کشور: «اگر کسی وجهی از دیگری بگیرد که در مقابل جنسی به او دهد و بعداً منکر گرفتن وجه شده باشد، این عمل کلاهبرداری نخواهد بود.»

رأی شماره ۲۹۷ مورخ ۱۳۳۰/۰۲/۳۰ شعبه هشتم دیوان عالی کشور: «اگر کسی جنسی را گران‌تر از قیمت روز به دیگری بفروشد این موضوع با هیچ یک از ارکان کلاهبرداری منطبق نمی‌باشد.»

رأی شماره ۸۲۵ مورخ ۱۳۱۸/۰۴/۱۳ شعبه پنجم دیوان عالی کشور: «کم دادن پول به هنگام شمارش آن جرم نیست...» [اگر شخص A بخواهد ۵۰۰ هزار تومان در حساب بانکی خود بگذارد و همان لحظه شخص B هم از مشتریان بانک همان مبلغ را بخواهد از حساب خود برداشت کند و در این زمان متصدی بانک به شخص A بگوید پول خود را به شخص B تحول بده و او موقع تحویل ۱۰ هزار تومان کمتر بدهد ولی رسید ۵۰۰ هزار تومانی دریافت کند عملش کلاهبرداری نیست.]

### دروغ گویی محض به صورت کتبی یا شفاهی: می‌تواند وسیله حیله و تقلب باشد؟

در خصوص حیله و تقلب **سؤالی** که ممکن است پیش آید در خصوص **صرف دروغ گفتن** است که آیا دروغ گوئی محض باعث تحقق جرم کلاهبرداری می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که: صرف دروغ گفتن موجب تحقق جرم کلاهبرداری نمی‌شود مگر با صحنه سازی متقلبانه یا تبانی با شخص ثالث و... البته نه این که دروغ گفتن جرم نباشد بلکه در قالب شهادت کذب یا سوگند دروغ در مراجع قضائی به موجب مواد ۶۴۹ و ۶۵۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ جرم است.<sup>۲</sup> در ضمن صرف دروغ گفتن اگر موجب تحصیل مال گردد به عقیده برخی از حقوقدانان از جمله دکتر میر محمد صادقی ممکن است شخص به موجب ماده ۲ قانون تشدید<sup>۳</sup> به جرم تحصیل مال از طریق نامشروع محکوم شود.

۱- دقت شود **گران فروشی** در رأی مذکور کلاهبرداری نیست نه این که جرم نباشد بلکه اگر عمل شخص مصداق قانون تشدید مجازات محتکران و گران فروشان مصوب ۱۳۶۷ گردد با توجه به مفاد این قانون مجازات می‌شود. / در ضمن اگر فرد گران فروش جنسی را با حیله و تقلب با کیفیت بهتر یا کمیت بالاتر قلمداد نموده و سپس گران فروشی هم کند قطعاً کلاهبردار است مانند شخصی که با دستکاری در سند ماشین آن را مدل بالا جلوه داده و یا شخصی مغازه دار با دستکاری در ترازو و بالا بردن وزن اجناس، گران فروشی نمایند.

۲- ماده ۶۴۹- هر کس در دعوی حقوقی یا جزائی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.  
ماده ۶۵۰- هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به بیست و پنج میلیون ریال تا یک صد میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره- مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است. (اصلاحی جزای نقدی طی تصویب نامه هیأت وزیران ۱۳۹۹)

بنابراین:

در سوگند دروغ ⇨ ملاک توجه قسم در دعوی حقوقی و جزایی می‌باشد.

در شهادت دروغ ⇨ ملاک ادای آن نزد مقامات رسمی در دادگاه است. (هر چند به نظر می‌رسد مرجع قضایی صحیح باشد و شامل دادسرا هم می‌گردد زیرا در سال ۱۳۷۵ سال تصویب ق. تعزیرات دادسرا در نظام قضایی ایران وجود نداشت. رأی وحدت رویه شماره ۵۲۸ مورخ ۸۲/۶/۲۰۴۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور نظر نگارنده را که معتقد است منظور از دادگاه در ماده ۵۶ ق. تعزیرات مصوب ۵۷۳۱، اعم از دادگاه و دادسرا است را تأیید می‌کند. و لذا بهتر بود قانون گذار در ماده فوق به جای عبارت (دادگاه) از عبارت "مرجع قضایی" بهره می‌برد.)

۳- ماده ۲- هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آن چه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال ⇨ به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال بدست آمده محکوم خواهد شد. تبصره- در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.

باید دقت کنیم که بین صحنه سازی متقلبانه با دروغ و صرف دروغ گوئی محض تفاوت وجود دارد چرا که در صحنه سازی با دروغ توأم با حیله و تقلب ممکن است شخص تحت شرایطی به کلاهبرداری محکوم گردد. در دروغ کتبی امکان صحنه سازی متقلبانه بیشتر وجود دارد چرا که به زعم اکثریت قضات در نشست‌های قضائی: «**لفظی و زبانی بازی به تنهایی حیله و تقلب محسوب نمی‌شود و کافی به مقصود نخواهد بود.**» اما به هر حال معیار و ضابطه وجود عملیات متقلبانه است که به فریب بزه دیده بیانجامد حال می‌خواهد دروغ کتبی یا دروغ شفاهی باشد. (مثال ۱) جوانی که به دروغ به خانمی وعده ازدواج می‌دهد و از این طریق موفق به بردن اموال او می‌شود کلاهبردار نیست ولی اگر علاوه بر دروغ، صحنه سازی کند و عملیات مادی دیگر مثل بردن به رستوران یا معرفی به آشنایان را انجام دهد یا برای او هدایایی بخرد چون عملیات متقلبانه انجام داده امکان تحقق کلاهبرداری وجود دارد. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره ۱ مورخ ۱۳۷۵/۰۲/۲۵ مقرر داشته: (... بزه کلاهبرداری که شرط اصلی تحقق آن توسل به وسایل متقلبانه است تنها با عنوان نمودن وعده ازدواج که امری لفظی است تحقق و مصداق پیدا نمی‌کند).

(مثال ۲) دو نفر را فرض کنید

شخص X مدیر سابق مدرسه که از سمتش خلع شده + دروغ ← بردن وجوه از اولیای دانش آموزان با ارائه رسید مدرسه  
شخص Y یک فرد عادی که اصلاً سابقه مدیریتی ندارد + دروغ ← بردن وجوه از اولیای دانش آموزان بدون ارائه هیچ  
سندی

عمل شخص X بر اساس سابقه مدیریتی وی و ارائه رسید مدرسه یک صحنه سازی متقلبانه بوده پس با وجود شرایط دیگر امکان انتساب کلاهبرداری به او وجود دارد اما عمل شخص Y که یک فرد عادی بوده و هیچ تقلبی هم به کار نبرده و تنها دروغ گفته، انتساب کلاهبرداری به ایشان بعید است مگر این که شخص X رسید مدرسه را جعل کرده باشد و یا با شخص ثالثی تبانی نماید.

رأی شماره ۴۰۰ مورخ ۱۳۳۶/۰۸/۳۰ شعبه سوم دیوان عالی کشور به بحث عدم تحقق جرم کلاهبرداری با دروغ محض اشاره دارد: «اگر کسی اشیایی از کسان متهم بگیرد تا با اعمال وساطت نزد بازپرس موجب اختلاص [اختلاص به معنای خلاصی و رهایی از بند] و منع تعقیب او را فراهم سازد، این عمل مشمول قانون مجازات اعمال نفوذ<sup>۳</sup> خواهد بود نه بحث کلاهبرداری»

**بررسی وسایل تقلبی از منظر شکل و ظاهر** یعنی می‌خواهیم ببینیم وسیله‌ای که وصف متقلبانه دارد از نظر شکل

۱- حبیب زاده، جعفر ۱۳۹۷ «منبع پیشین»: ص ۱۴۵

۲- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ «منبع پیشین»: ص ۶۶

۳- یکی از قوانینی که مورد اغفال قرار گرفته و با وجود گذشت مدت طولانی از سال تصویب آن یعنی سال ۱۳۱۵ هنوز هم مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد قانون «**اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی**» مصوب ۱۳۱۵ است. با توجه به مراجعه‌کنندگان به محاکم قضائی و مراجعه‌کنندگان به وکلای دادگستری و صحبت مردم عادی در خصوص بزه دیدگی آن‌ها گاهاً مشاهده می‌شود که برخی از آن‌ها اشاره داشته‌اند که به عنوان مثال فلان شخص X یا فلان مسئول Y به بنده گفتند ما آشنا و پارتنری داشته و فلان رئیس سازمان و اداره آشنای ما است و بنده کار شما را درست می‌کنم و از ما کلی پول گرفت ولی کاری برای ما نکرد حالا ما آمده‌ایم دنبال احقاق حق و از آن طریق موفق نشدیم!! و به همین راحتی از کنار آن شخص گذشته و بعد از این همه اتلاف وقت و صرف هزینه حالا کار خود را به وکلا [البته تعداد معدودی از وکلا هم متأسفانه مخاطب این قانون هستند] یا محاکم قضائی ارجاع می‌دهند. یا فلان مسئول دیگر نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تأثیر دهند و غیره... در حالی که به نظر می‌رسد آمار قربانیان این جرم در کشور بالا باشد اما توجه به آن کم رنگ است و شاید به طور مقطعی مثلاً حفاظت اطلاعات دادگستری آن هم در رابطه با افرادی که به عنوان **کارچاق کن** در محوطه دادگستری‌ها هستند برخورد می‌کند اما به این موضوع خیلی کم توجهی است و اصلاً کافی نیست چرا که کارچاق کن‌های محوطه دادگستری شاید بخش کوچکی از بزهکاران این جرم را تشکیل دهند. اما عدم توجه به این موضوع دلایل مختلفی دارد؛ یک دلیل آن شاید عدم آگاهی مردم از وجود چنین حقی است. دلیل دوم آن عدم تمایل و ترس بزه‌دیده‌گان برای شکایت از این افراد است و دلیل بعدی هم کم توجهی برخی از همکاران قضائی اعم از وکلا و قضات محترم به این موضوع می‌باشد.



الف- از نظر شکل و ظاهر متقلبانه باشد: مثل جعل و استفاده از سند مجعول (کلاهبرداری رخ می‌دهد) <sup>۴۸</sup>

کلاهبرداری + جعل ⇨ تعدد مادی

کلاهبرداری + استفاده از سند مجعول ⇨ تعدد معنوی

ب- از نظر شکل و ظاهر صحیح اما خالی از وجه: مثل استرداد وجوه در دو مرتبه در برخی از قراردادهای

(کلاهبرداری رخ می‌دهد) <sup>۴۹</sup>

بحث اجاره ⇨ موجری به بهانه گم کردن اصل قبض، اجاره بها را می‌گیرد و بعد از مدتی دوباره با همان قبض اجاره بها را دریافت می‌کند.

**مثال‌های دیگری از اسناد خالی از وجه <sup>۴۹</sup>**

۱- استفاده از شناسنامه شخص مرده برای دریافت کالا برگ ارزاق عمومی.

۲- ارائه حکم مدیریت که لغو شده برای دریافت مال غیر.

۳- أخذ محکوم به از خوانده دعوا به واسطه ارائه حکم بدوی در حالی که این حکم در مرحله تجدیدنظر نقض شده و حکم بر بی حقی خواهان صادر گردیده است.

**شرط مهم تحقق کلاهبرداری ⇨ توّسل به حیله و تقلّب یا وسایل متقلبانه باید نسبت به بردن مال دیگری مقدّم باشد.**

اگر فردی با توّسل به مانورهای متقلبانه از استرداد مال دیگری خودداری ورزد، کلاهبرداری به علت تأخر تقلّب بر بردن مال محقق نمی‌شود برای مثال اگر قرض گیرنده با جعل رسید وانمود کند که دین خود را به قرض دهنده پرداخته است کلاهبردار محسوب نمی‌گردد. (البته دکتر میر محمد صادقی معتقد است اگر عملیات متقلبانه منجر به بخشیده شدن یا هبّه مال گردد در این مورد امکان تحقق کلاهبرداری وجود دارد.) همچنین در صورتی که امین با حیله و تقلّب امانت دهنده را به استرداد مال مورد امانت در تاریخ مشخصی مغرور سازد و با این شیوه از رد مال امانی امتناع نماید کلاهبردار نبوده بلکه ممکن است با وجود شرایط مقرر در قانون به اتهام خیانت در امانت قابل تعقیب و مجازات باشد.<sup>۱</sup>

**مثال‌های دیگر در مورد تأخر وسایل متقلبانه نسبت به بردن مال دیگری ⇨** عمل تاجر که با دست بردن در دفاتر تجاری اش خود را غیر از بدهکار واقعی قلمداد کند یا رفتار موجری که با جعل سند وانمود می‌کند که چک‌هایی را که بابت تضمین پرداخت اجاره بها از مستأجر گرفته بوده به وی مسترد کرده است.

**لزوم شرط تقدم حیله و تقلّب بر تحصیل مال غیر در آرای دیوان عالی کشور**

رای اصراری شماره ۲۸ مورخ ۱۳۷۴/۰۸/۰۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «... در کلاهبرداری توّسل به وسایل متقلبانه باید مقدم در به دست آوردن مال غیر باشد.»

رای شماره ۶۵۹/۲۰ مورخ ۱۳۷۱/۰۹/۰۸ شعبه بیستم دیوان عالی کشور: «وسیله متقلبانه ای که قبل از وصول وجه به آن توّسل شده و رکن مادی جرم کلاهبرداری را در برگیرد مطرح نگردیده، بنابراین موضوع حقوقی و فاقد جنبه کیفری است.»

**اجتماع (اسباب متقلبانه + غیر متقلبانه) ⇨** در این فرض کلاهبرداری محقق است.

در وضعیتی که شخص در راستای بردن مال دیگری اعمالی انجام می‌دهد که برخی متقلبانه و بعض دیگر غیر متقلبانه است.

۱- آقائی نیا، حسین و رستمی، هادی ۱۳۹۷ «منبع پیشین»: ص ۴۸

فرض کنیم: شخصی می‌خواهد اموال عده ای را طی واگذاری یک آپارتمان ۱۶ واحدی در اثر به کار بردن حيله و تقلب تحصیل کند لذا خود را این گونه معرفی می‌کند.

سابقه مدیر عاملی پروژه ساختمانی (این موضوع جعلی است) متقلبانہ	دارای مدرک کارشناسی ارشد برق (این موضوع صحت دارد) غیر متقلبانہ
---	--

در این جا علت اصلی دادن پول از سوی مردم اعتماد به مدیر عاملی پروژه ساختمانی بوده است نه مدرک کارشناسی ارشد برق، لذا کلاهبرداری مُحرز است. در ضمن این مدرک کارشناسی ارشد هم صحت دارد و متقلبانہ نیست. حالا فرض کنیم قضیه بر عکس شود

سابقه مدیر عاملی پروژه ساختمانی (این موضوع صحت دارد) غیر متقلبانہ	دارای مدرک کارشناسی ارشد برق (این موضوع جعلی است) متقلبانہ
---	--

در این جا محکوم کردن شخص به کلاهبرداری به واسطه اعتماد مردم به سابقه مدیر عاملی شخص مشکل است و از سوی دیگر این عنوان مدیر عاملی او هیچ ایرادی ندارد مگر این که علت دیگری مثل تبلیغات گسترده یا اسناد جعلی در رابطه با ۱۶ واحد آپارتمانی که اصلاً وجود خارجی ندارد هم دخیل باشد.

### ۳-۱- مصادیق حيله و تقلب در کلاهبرداری عادی مندرج در ماده ۱ قانون تشدید

در قوانین بیشتر کشورها سه روش در مورد تعیین مصادیق وسایل متقلبانہ وجود دارد: **روش اول تعیین مصادیق به شیوه حصری** این است که وسایل متقلبانہ در در قوانین برخی کشورها معین شده است و وقتی که قانون وسایل متقلبانہ را مشخص می‌کند قاضی مکلف است که در آن محدوده حرکت کند. روش دوم تعیین مصادیق به شیوه **تمثیلی** این است که وسایل متقلبانہ نامحدود هستند و هر وسیله متقلبانہ‌ای مشمول کلاهبرداری قرار می‌گیرد، در این جا اختیارات قاضی وسیع می‌شود و شانس متهم برای این که از مجازات فرار کند بسیار کم است. روش سوم (روش مختلط) است که در بخشی تمثیلی و و در بخش دیگری از جرایم کلاهبرداری حصری است، یعنی در بعضی موارد نامعین و در بعضی موارد معین است. در حقوق کشور ما از ابتدای امر قانون گذاری در خصوص کلاهبرداری تا به امروز روش در نظر گرفته شده در خصوص وسایل متقلبانہ، **روش مختلط** بوده است. (با عنایت به مطالب فوق به نظر می‌رسد مصادیق حيله و تقلب در کلاهبرداری عادی تمثیلی می‌باشد و حصری نیست اما در کلاهبرداری مشدد حصری است و باید به موارد نص اکتفا کرد)

ضابطه و فرمول یافتن مصادیق متقلبانہ به این صورت است که باید اولاً به عرف مراجعه کرد و ثانیاً وسایلی را متقلبانہ دانست که در یک شخص متعارف موجب فریب شود. بنابراین ایجاد تضاد ساختگی برای اخذ پول از بیمه<sup>۱</sup> یا فروش

۱- توجه داشته باشید که هر چند به عقیده دکتر میر محمد صادقی ایجاد تضاد ساختگی با تقلب از مصادیق کلاهبرداری است اما اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۷۸ مورخ ۱۳۸۱/۰۲/۰۹ آن را از مصادیق تحصیل مال از طریق نامشروع دانسته است. البته شاید استدلال اداره محترم این باشد که حداقل بین شرکت بیمه و بیمه گذار قراردادی بوده و شخص با قرارداد فی مابین مالک آن حق شده است و بعداً مانور زده و مال را از بابت حقی که از آن او

جوهرات بدلی به جای جوهرات اصلی و غیره... هم از مصادیق متقلبانه به شمار می‌روند. (نکته‌ای در مورد تظاهر به معلولیت برای دریافت کمک از سازمان‌ها یا برانگیختن حس ترحم مردم برای کمک باید گفت اگر معلولیت واقعی هر چند عمدی هم باشد مشمول کلاهبرداری نیست اما اگر معلولیت غیر واقعی و تنها تظاهر به آن باشد کلاهبرداری می‌باشد.) دکتر میر محمد صادقی پوشاندن عیوب آشکار مبیع توسط بایع را از مصادیق کلاهبرداری دانسته است به نظر نگارنده کتاب حاضر باید اصل حداقل بودن حقوق جزا را رعایت کرد و تا جایی که در قوانین حقوقی ضمانت اجرا برای اشخاص وجود دارد از گسترش حوزه جرم و مجازات خودداری کرد و در این مورد باید مشتری را به دادن اظهارنامه فسخ از باب خیار عیب و به تبع آن دادخواست تنفیذ فسخ و اخذ خسارت از بایع راهنمایی کرد.

## ۱- وجود شرکت‌ها، تجارت‌خانه‌ها و مؤسسات موهوم: دکتر آقایی نیا و دکتر هادی رستمی معتقدند واژه

«موهوم» عبارت است از شرکت‌ها، کارخانه‌ها و تجارت‌خانه‌ها مؤسساتی که «وجود خارجی ندارند» البته صرف داشتن سابقه ثبتی کفایت می‌کند. مثل بسیاری شرکت‌های کاغذی که برخی از آن‌ها در قالب لیزنگ مردم را فریب داده و اموال آن‌ها را می‌برند.<sup>۱</sup> دکتر میر محمد صادقی هم سو با نظرفوق معتقدند نباید تصور کرد که تحقق این بخش از ماده ۱ حتماً مستلزم «فقدان» شرکت، تجارت‌خانه یا مؤسسه مورد ادعاست و لذا فرقی نمی‌کند که آن‌ها به ثبت نرسیده یا وجود خارجی نداشته باشد. یا این که با کیفیت و منظوری که متهم وانمود می‌کند وجود نداشته باشد.<sup>۲</sup> دکتر محمد جعفر حبیب زاده عقیده دارند از اطلاق مصادیق تمثیلی در ماده ۱ قانون تشدید استنباط می‌شود که نظر قانون گذار، فریفتن به وجود بنگاه یا «هر شخص حقوقی» بوده است که شامل مؤسسات تجاری صنعتی، تولیدی، خدماتی، بانکی و غیره... نیز خواهد شد. و منظور از موهوم بودن، غیر حقیقی بودن است که تخیلی بودن، وجود خارجی نداشتن، وجود خارجی داشتن همراه با نقص در اجرای شرایط لازم و غیر آن را در بر می‌گیرد. به این دلیل خواه بنگاه از تمام جنبه‌ها غیر واقعی باشد و اساساً وجود خارجی نداشته باشد و خواه قسمتی از آن واقعی و قسمت‌های دیگرش غیر واقعی باشد موهوم بوده و در صورتی که بنگاه وجود خارجی داشته باشد اما عملی غیر از آن چه کلاهبردار ادعا کرده است، انجام دهد باز هم موهوم است و همچنین هر گاه بنگاه هنوز تشکیل نشده و یا در مرحله طرح باشد و کلاهبردار، کامل بودن آن را ادعا کند موهوم محسوب می‌شود و به همین ترتیب اگر بنگاهی وجود خارجی داشته باشد، اما از نظر مقررات، واجد اعتبار قانونی نباشد و کلاهبردار آن را بنگاهی قانونی معرفی کرده باشد هم موهوم می‌باشد. با این وصف برای موهوم بودن یک بنگاه یا شخصیت حقوقی لازم نیست که مورد ادعا معدوم باشد بلکه موهوم بودن آن است که آن چه در خارج وجود دارد، خلاف آن چیزی باشد که کلاهبردار ادعا می‌کند.<sup>۳</sup>

## ۲- اموال و اختیارات واهی: دکتر میر محمد صادقی معتقد است هر گاه کسی با صحنه سازی، خود را مالک اموال

زیادی وانمود کند یا خود را ذی نفوذ در مقامات مربوطه قلمداد کند [به نظر نگارنده کتاب حاضر این عبارت اخیر از سوی دکتر میر محمد صادقی صحیح نیست و باید در خصوص داشتن نفوذ بین مقامات به قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵ مراجعه کرد و داشتن اختیار در ماده ۱ قانون تشدید منصرف از این مورد خاص است.] و با گرفتن وجوهی از اشخاص قول اخذ گواهینامه رانندگی یا گذرنامه یا غیره... را بدهد کلاهبردار محسوب می‌شود.<sup>۴</sup> دکتر محمد جعفر حبیب زاده بر این عقیده هستند که برای تحقق مانور متقلبانه یعنی داشتن اختیار و اعتبار واهی، باید اعمالی که طرف را به شبهه بیندازد

بوده، برده است یعنی بحث تقدم بردن مال بر مانور به نوعی وجود دارد. لذا آن را مشمول ماده ۲ قانون تشدید دانسته است.

۱- آقایی نیا، حسین و رستمی، هادی ۱۳۹۷ «منبع پیشین»: ص ۴۹

۲- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ منبع پیشین: ص ۷۳

۳- حبیب زاده، جعفر ۱۳۹۷ منبع پیشین: ص ۱۳۴ و ۱۳۵

۴- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ منبع پیشین: ص ۷۴

نیز انجام شود. دکتر ایرج گلدوزیان معتقدند منظور از داشتن اختیارات واهی این است که از راه حيله و تقلب و تظاهر به داشتن موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اداری از شخص دیگری سوء استفاده مالی به عمل آید مثل این که کسی مدعی شده با داشتن نفوذ کلام روی فلان مقام سیاسی و دولتی می‌تواند برای استخدام وی اقدام مقتضی به عمل آورد. شعبه پنجم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۹۶ مورخ ۱۳۲۰/۱۱/۳۰ در این رابطه گفته است: «به دست آوردن وجهی به وسایل متقلبانه و مغرور کردن اشخاص به منافع موهوم از طریق خال بازی و امثال آن کلاهبرداری است.» البته به نظر می‌رسد خال بازی، قمار، فال گیری و اعمال رمال‌ها بیشتر در بحث امیدوار کردن مردم به امور غیر واقع که در عنوان بعدی آمده مطرح می‌باشد.

**۳- امیدوار کردن مردم به امور غیر واقع :** دکتر محمد جعفر حبیب زاده معتقدند امیدوار کردن به امور غیر واقع یعنی امید دادن به وقوع یک امر خوب و مثبت است. در این جا به نظر نگارنده امیدوار کردن مطلق است و ممکن است علاوه بر امور مثبت و مطلوب به یک امر نامطلوب و منفی هم اشاره داشته باشد مثلاً امیدوار کردن برای به دست آوردن سؤالات کنکور یا امیدوار کردن به این که بدهی سنگین شما به بانک ناشی از وام چند صد میلیاردی از بین خواهد رفت از امور نامطلوب و منفی می‌باشند چرا که در صورت نخست این امر غیر واقع حقوق دیگر داوطلبین را ضایع می‌سازد و در صورت دوم به بیت المال ضرر می‌زند و به تبع آن به حقوق کل افراد جامعه آسیب وارد می‌کند و غیره... بنابراین امید وار کردن مردم امر نسبی است که ممکن است یک امر مثبت یا منفی باشد. اقدامات رمال‌ها و فال‌گیرها که به وسیله آن دیگران را به امور غیر واقع امیدوار می‌کنند و از آن طریق مالی به دست می‌آورند جزء این مصداق از مانورهای متقلبانه محسوب می‌شوند. رأی شماره ۱۳۱۵ مورخ ۱۳۱۱/۰۹/۱۴ شعبه دوم دیوان عالی کشور در این خصوص بیان می‌دارد: «تحصیل اموال دیگران تحت عنوان رمل انداختن برای پیدا کردن اموال ایشان مشمول کلاهبرداری است.» یا رأی شماره ۲۱۰۹ مورخ ۱۳۱۶/۰۹/۲۳ شعبه دوم دیوان عالی کشور به همین بحث اشاره دارد: «خال بازی گرچه عنوان قمار دارد ولی اگر دادگاه این عمل را به دست آوردن وجوه افراد طی تقلب و مغرور کردن آن‌ها به منافع موهوم تشخیص دهد می‌تواند به جای جرم قماربازی طبق جرم کلاهبرداری تعیین مجازات نماید.»

**۴- ترساندن مردم از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع:** ترساندن مردم نسبت به حوادث و اتفاقاتی که خالی از واقعیت بوده است مدنظر قانون‌گذار می‌باشد یعنی مثلاً جراح متخصص که بیمار را از وجود یک بیماری غیر واقعی در آینده نزدیک می‌ترساند و او را وادار به عمل جراحی می‌کند کلاهبردار می‌باشد یا دلالی که با صحنه سازی دیگری را از پایین آمدن قیمت‌ها ترساند و بر اثر فریب او کالاهایش را به قیمت خیلی پایین خریداری کند در صورتی که چنین چیزی اصلاً واقعیت نداشته باشد کلاهبردار می‌باشد.

با این وصف رکن اساسی این مصداق از حيله و تقلب «غیر واقعی بودن» حوادث و رخدادها می‌باشد. پس اگر موضوعی بر اثر اطلاعات مکتسبه فرد (طریق کسب اطلاعات چه قانونی باشد و چه غیر قانونی فرقی نمی‌کند) یا بر اثر احتمالات و طبق شرایط و اوضاع و احوال و یا حتی بر اثر شانس و اقبال «واقعی» باشد یا در اصطلاح عامیانه طبق احتمالات «واقعی از آب درآید» از بحث کلاهبرداری خارج است البته مشروط به این که موضوع با مانورهای متقلبانه دیگری همراه نباشد. دکتر محمد جعفر حبیب زاده معتقدند اگر کسی مردم را از وقوع سیل و زمین لرزه یا جنگ ترساند و از این طریق آن‌ها را اغفال و اموال آن‌ها را تصاحب کند به فرض وقوع این حوادث در آینده، مسئولیت مدعی از بین نمی‌رود. نگارنده کتاب حاضر با این موضوع مخالف است چرا که اولاً بحث غیر واقعی بودن رخ نداده ثانیاً با توجه به وقوع سیل و زمین لرزه و غیره... اشخاص می‌خواستند اموال خود را واگذار کرده و به قیمت پایین بفروشند حالا هم دقیقاً حادثه با خواسته آن‌ها منطبق است.

۱- حبیب زاده، جعفر ۱۳۹۷ منبع پیشین: ص ۱۳۸ و ۱۳۹

۲- منبع پیشین: ص ۱۳۹ و ۱۴۰

برخی از حقوقدانان رأی شماره ۵۱۰۴ مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۱۶ شعبه دوم دیوان عالی کشور را نمونه بارز این مصداق متقلبانه دانسته‌اند: «اگر کسی از یک نفر حامل کالای قاچاق به بهانه این که مال قاچاق دارد، پول بگیرد این عمل کلاهبرداری نیست... زیرا مشارالیه در گرفتن پول، تقلبی به کار نبرده است. و اشخاصی را به حادثه یا پیش آمد بر خلاف واقع **نترسامیده** است.»

**۵- اسم و عنوان مجعول:** برای بررسی این مصداق باید بین «اسم» و «سمت و عنوان» قائل به تفکیک شد. **اسم مجعول** منظور از اختیار اسم مجعول آن است که مرتکب از روی علم و قصد اسمی غیر واقعی که به او تعلق ندارد اعم از این که خود آن اسم حقیقی یا غیر حقیقی یا فرضی باشد را مورد استعمال قرار دهد. **(داشتن دو شناسنامه از دو شهر یا کشور مختلف و استفاده از هر یک آن‌ها مشمول اتخاذ عنوان جعلی نیست. یا اگر شخص اسم واقعی خود را به کار ببرد ولی اسم مستعارش دارای بدنامی است و طرف مقابل متوجه این موضوع نشود این هم اتخاذ عنوان جعلی نمی‌باشد.)** نکته قابل توجه در اختیار اسم جعلی یک شخص معتبر منوط به رضایت و عدم رضایت آن شخص نیست پس اگر یک ورزشکار معتبر از این که فرد (الف) نام او را برگزیده و از آن استفاده می‌کند مشکلی نداشته و حتی رضایت هم داشته باشد در اقدامات بعدی شخص (الف) دائر بر کلاهبرداری این رضایت مؤثر در مقام نیست. و شخص «الف» به این بهانه که شخص معتبر راضی به این امر بوده نمی‌تواند از اتهام کلاهبرداری شانه خالی کند.

فردی که به قصد تحصیل مال، نام شخص دیگری را که معروف به خوش حسابی است اختیار کند و این جعل اسم، موجب شود تا مجنی علیه مال خود را تسلیم وی نماید. مرتکب کلاهبرداری شده است.<sup>۱</sup>

**عنوان مجعول** قبل از بیان مفهوم عنوان باید گفت این واژه در برخی مقررات به همراه واژه **سمت**<sup>۲</sup> آمده اما با توجه به مفهوم عام (عنوان) نیازی به ذکر آن نیست هر چند قانون‌گذار در بخش ابتدایی ماده ۱ قانون تشدید این عبارت را حذف کرده ولی در انتهای ماده واژه «**سمت**» را به کار برده است و این دوگانگی و طرز قانون نویسی دور از شأن قانون‌گذار است. سوء استفاده از عنوان مجعول به صورت معرفی خویش با یک عنوان و سمت رسمی و قانونی و یا تیترو و دیپلم و درجه و مقامی است که شرایط استفاده از آن‌ها مستلزم رعایت ضوابطی است.<sup>۳</sup> غصب عناوین و مشاغل موضوع مواد ۵۵۵ و ۵۵۶ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ خود جرایم مستقلی به شمار می‌روند ولی هنگامی که این قبیل اعمال در جهت فریفتن و تحصیل مال دیگری به عمل آمده باشد، به عنوان مانور متقلبانه تلقی می‌شوند و موضوع مشمول تعدد معنوی (موضوع ماده ۱۳۱ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲) خواهد بود.

### ۳-۲- مصادیق حيله و تقبّل در کلاهبرداری مشدّد مندرج در ماده ۱ قانون تشدید

۱- اتخاذ عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراهای یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی (و به طور کلی قوای سه گانه و هم چنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی) برخلاف واقع.

۲- استفاده از تبلیغ عامه، از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع یا انتشار آگهی چاپی یا خطی

**نکته** قابل توجه در این مصداق این است که

**الف-** در نطق تکرار آن ضروری نیست و سخنرانی و نطق در یک مجمع کفایت می‌کند.

۱- گلدوزیان، ایرج ۱۳۹۳ «مخسای قانون مجازات اسلامی» انتشارات مجد، تهران، چاپ سوم: ص ۵۳۶  
 ۲- سمت غالباً برای مشاغل و مقامات رسمی و عنوان بیشتر در مورد مشاغل غیر رسمی به کار می‌روند هر چند به نظر می‌رسد واژه عنوان عام و کلی بوده و در برگیرنده همه آن‌ها است.

۳- گلدوزیان، ایرج ۱۳۹۳ منبع پیشین: ص ۵۳۶

ب- نطق و مجمع باید از ویژگی های متعارف برخوردار باشند لذا صحبت کردن چند دوست در یک محفل دوستانه یا یک میهمانی و ضیافت دوستانه یا خویشاوندی را نمی توان نطق در مجمع دانست و همچنین حضور فیزیکی ناطق در مجمع هم ضروری است.

ج- مجمع لازم نیست طبق دعوت قبلی و در یک مکان سر بسته تشکیل شود لذا نطق در یک تظاهرات خیابانی ممکن است با وجود سایر شرایط موجب تحقق کلاهبرداری گردد.

۳- مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری ها یا نهادهای انقلابی و یا به طور کلی از قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد.

### نکات مهم در کلاهبرداری مشدد:

۱- تقدم وسایل تقلبی بر بردن مال هم در کلاهبرداری مشدد حائز اهمیت است لذا اگر شخص A بعد از بردن مال و برای ترساندن مال باخته یعنی شخص B برای خود عنوان جعلی کارمند دولت اتخاذ نماید یا این که پس از بردن مال به استخدام دولت درآید محکوم به کلاهبرداری مشدد نخواهد شد البته ممکن است با وجود سایر شرایط به کلاهبرداری عادی یا تحصیل مال از طریق نامشروع محکوم شود.

۲- اگر مرتکب هم کارمند دولت باشد و هم از تبلیغ عامه در کلاهبرداری استفاده کرده باشد فقط یک مرتبه مجازات او تشدید می گردد و دادگاه نمی تواند مقررات تعدد جرم را در مورد او به کار برد.

### فلسفه تشدید مجازات در کلاهبرداری مشدد

۱- سوءاستفاده از اعتماد مردم  
۲- خدشه وارد کردن به نظام اداری کشور

تفاوت کلاهبرداری عادی و مشدد: با توجه به مطالب فوق ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، دو قسم کلاهبرداری اعم از عادی (ساده) و مشدد را پیش بینی نموده است با این تفاوت که در کلاهبرداری عادی (ساده) با مجازات یک تا هفت سال حبس و جزای نقدی و رد مال شخص متهم صرفاً با توسل به عناصر و مصادیق متقلبانه تلاش دارد تا قربانی خود را فریب دهد تا اموال ایشان را ببرد اما در کلاهبرداری مشدد، شخص متهم برخلاف واقع خود را کارمند یکی از دستگاه های دولتی یا نظامی معرفی کرده باشد و یا این که در سمت کارمند دولت یا ارگان های نظامی مرتکب جرم کلاهبرداری شود، و یا از طریق نطق در مجامع یا استفاده از تبلیغ از طریق رسانه های ارتباط جمعی اموال مردم را تحصیل نماید، قانون گذار مجازات این اشخاص را تشدید نموده با رد مال، حبس از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی (درخصوص کارکنان دولت) و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده برای آن ها مجازات تعیین نموده است. (البته در هر دو در صورتی که جرم کلاهبرداری قابل گذشت باشد طبق تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ اصلاحی به واسطه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ مجازات حبس به نصف تقلیل می یابد).

**مدت حبس کلاهبرداری عادی قابل گذشت** ← شش ماه تا سه سال و نیم حبس تعزیری

**مدت حبس کلاهبرداری مشدد قابل گذشت** ← یک تا پنج سال حبس تعزیری

دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۰۱ جرم کلاهبرداری را **به دلیل ارتباط با حقوق عمومی و آسایش و امنیت جامعه واجد جنبه عمومی دانسته است** و به همین دلیل دادستان حتی بدون شکایت شاکی خصوصی می تواند مرتکبین آن را تعقیب نماید. هر چند با توجه به مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (ماده ۱۰۴ ق.م.ا. که به واسطه قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اصلاح گشته) کلاهبرداری کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان قابل گذشت بوده و تعقیب آن منوط به شکایت شاکی خصوصی است پس رأی وحدت رویه فوق به کلاهبرداری های بیش از ۱۰۰ میلیون ریال اشاره دارد.

## ب- اغفال و فریب قربانی

در خصوص این شرط باید گفت بزه دیده باید مال را با رضایت اما در نتیجه اغفال و فریب در اختیار شخص مرتکب قرار دهد (یکی از تفاوت‌های بین کلاهبرداری و سرقت همین بحث رضایت بزه دیده در لحظه اعطای مال به مرتکب کلاهبرداری است. به عبارت ساده و از قول دکتر مجید قاضی زاده در جزوه درسی حقوق جزا می‌توان گفت بزه دیده **کلاهبرداری** هنگام دادن مال به مرتکب می‌گوید: **خدا خیرش دهد** اما بزه دیده **سرقت** در لحظه ارتکاب این جرم به سارق، می‌گوید **خدا لعنتش کند**.) و این شرط مجزا از شرط لزوم متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبرداری می‌باشد، از این نظر که وسایل مورد توسل کلاهبردار باید «عرفاً» متقلبانه محسوب گردد و علاوه بر این، قربانی جرم هم باید عملاً فریب خورده و مالش را با «رضایت» خود در اختیار کلاهبردار قرار دهد. با این وصف مثال زیر نشان می‌دهد به دلیل تزلزل در رکن اغفال و فریب قربانی جرم کلاهبرداری محقق نیست و ممکن است جرم نبوده یا منطبق با عنوان مجرمانه دیگر باشد.<sup>۱</sup>

**مثال-** کسی را که با استفاده از داروی بی‌هوش کننده دیگری را بی‌هوش نموده و مالش را برمی‌دارد نمی‌توان به ارتکاب جرم کلاهبرداری محکوم کرد، بلکه اطلاق عنوان «سرقت» به عمل او مناسب‌تر می‌باشد. لازمه اغفال و فریب قربانی، عدم آگاهی او نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار می‌باشد. مثال زیر نشان می‌دهد به دلیل تزلزل در رکن اغفال و فریب قربانی جرم کلاهبرداری محقق نیست.

**مثال-** هرگاه خریدار زمین بدانند که زمینی را که فروشنده یا دلال به وی نشان می‌دهد همان زمین مورد معامله نیست بلکه نامرغوب‌تر از آن است ولی با این حال اقدام به انجام معامله کند، بعداً نمی‌تواند تقاضای تعقیب فروشنده یا دلال را تحت عنوان کلاهبرداری بنماید.



در بحث تزلزل در اغفال و فریب قربانی (موضوع آگاهی بزه دیده از وسایل تقلبی) باید به یک نکته مهم توجه داشت گاهی ممکن است با وجود خدشه در رکن اغفال و فریب قربانی حداقل موضوع شروع به کلاهبرداری مطرح باشد ولی گاهی هم ممکن است حتی شروع به کلاهبرداری هم نباشد. (۲ مثال برای روشن شدن موضوع).

**مثال اول** که کلاهبرداری تام منتفی است ولی با وجود دیگر شرایط ممکن است شروع به کلاهبرداری محقق باشد:

شرکت بیمه از عمدی بودن آتش سوزی مطلع است اگر با این حال به دلیل اعتبار و نفوذ شخص بیمه شده به او خسارت بپردازد نمی‌تواند بعدها مدعی وقوع کلاهبرداری شود.

**مثال دوم** که کلاهبرداری تام و شروع به کلاهبرداری منتفی است:

اگر چند نفر مأمور کشف جرم برای خرید دلار تقلبی به شخص متهم مراجعه نمایند و نامبرده دلارهای تقلبی را به آنها عرضه نماید این عمل شروع به کلاهبرداری نیست. زیرا لازمه عمل شروع به کلاهبرداری عدم وقوف طرف بر قصد و منظور مرتکب از توسل به وسایل تقلبی می‌باشد.

توجه - در مثال دوم عمل عرضه کننده دلار تقلبی هر چند کلاهبرداری یا شروع به آن نیست اما ممکن است تحت عناوینی دیگر چون اخلال در نظام اقتصادی کشور یا اگر این عرضه دلار تقلبی در سطح وسیع و گسترده باشد در قالب افساد فی الارض و یا عناوین اتهامی دیگر قرار گیرد.

### ۳-۳-۳- ویژگی قربانی جرم کلاهبرداری

با توجه به لزوم اغفال و فریب قربانی در جرم کلاهبرداری باید دانست که ارتکاب این جرم تنها علیه «انسان» قابل تصور است. لذا دستگاه الکترونیکی یا یک ماشین را نمی‌توان فریب داد پس انداختن سکه تقلبی داخل دستگاه تلفن عمومی یا دستگاه فروش نوشیدنی و مواد خوراکی و دریافت آن کلاهبرداری نیست بلکه ممکن است تحت شرایطی ترویج سکه تقلبی یا سرقت و یا تحصیل مال از طریق نامشروع ... به حساب آید.<sup>۱</sup> دست کاری در سیستم و برنامه‌های رایانه‌ای و انتقال پول به حساب مرتکب در مفهوم کلاهبرداری رایانه‌ای (موضوع ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸) و یا ماده ۲ قانون تشدید یعنی تحصیل مال از طریق نامشروع قرار می‌گیرد. (استثنای این موضوع در یک مورد بحث قانون مجازات استفاده کنندگان غیر مجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب ۱۳۹۶ است که یک جرم خاص بوده و دست کاری یا هر نوع تصرف یا تغییر در وضعیت دستگاه‌های اندازه گیری آب، برق و ... به نحوی که موجب اختلال در کارکرد صحیح و ثبت ارقام مصرفی گردد مشمول قانون مذکور قرار می‌گیرد.) با وجود عبارت «مردم» و «دیگری» در ماده ۱ قانون تشدید آیا کلاهبرداری نسبت به سازمان‌های دولتی هم امکان پذیر است؟ اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه های مشورتی شماره ۷/۵۳۸۶ مورخ ۱۳۷۰/۰۱/۱۵ و ۷/۲۳۵۰ مورخ ۱۳۷۳/۰۴/۰۴ بیان داشته (... قید «دیگری» مذکور در ماده ۱ قانون تشدید اعم خواهد بود از دولت یا سایر اشخاص و به این ترتیب می‌توان گفت کلاهبرداری از افراد عادی نسبت به دولت هم می‌تواند مصداق داشته باشد....)

### ۳-۳-۴- رابطه سببیت مؤثر بین اغفال و فریب قربانی و توسل مجرم به وسایل تقلبی

به کار بردن وسایل تقلبی به شرطی موجب تحقق کلاهبرداری است که

#### ۱- کاربرد وسایل تقلبی علت غایی و منحصر به فرد بردن مال غیر باشد به نحوی که بین آن و اغفال

#### مال باخته و تسلیم مال توسط او به کلاهبردار رابطه سببیت برقرار شود

#### ۲- استفاده از وسایل مزبور یا انجام دادن عملیات متقلبانه باید مقدم بر تحصیل مال صورت گیرد.<sup>۲</sup>

شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۶۶۶ مورخ ۱۳۲۱/۰۹/۱۵ به وجود این دو شرط تأکید نموده است: (اگر امین یا هر کس دیگری که مال را از طریق عادی دریافت کرده است پس از آن و هنگام استرداد مال به اعمال متقلبانه متوسل شود و آن را مسترد نکرده، بلکه به نفع خود ضبط کند کلاهبردار نیست زیرا اغفالی صورت نگرفته و تحصیل مال غیر نتیجه به کار بردن حيله و تقلب نبوده است.) رابطه سببیت مؤثر بین اغفال و فریب قربانی و توسل مجرم به وسایل تقلبی یعنی علت مستقیم و عمده بردن مال توسط کلاهبردار باید گول خوردن مال باخته باشد.

#### مثال‌هایی که به دلیل عدم وجود رابطه سببیت مذکور نشان می‌دهند موضوع از عنوان کلاهبرداری

#### خارج است

۱- خوردن مواد بی‌هوش کننده با توسل به عملیات متقلبانه به مسافری یک اتومبیل و بردن مال آن‌ها از شمول کلاهبرداری

خارج است و عمل ارتكابی منطبق بر سرقت می‌باشد.

۲- فردی با توسل به وسایل تقلبی خود را برخوردار از صفتی نشان می‌دهد و موفق به ازدواج با دختری شده و جهیزه او را

تصاحب می‌کند.

۳- فردی با جعل مدرک تحصیلی استخدام می‌شود و موفق به تحصیل حقوق ماهانه ناشی از انجام وظایف مرتبط با استخدام

می‌شود.

(در مثال ۲ و ۳ «ازدواج» و «استخدام» رابطه علت بین اغفال و فریب قربانی و بردن مال غیر را قطع کرده است.)

۱- منبع پیشین: ص ۸۷

۲- حبیب زاده، جعفر ۱۳۹۷ منبع پیشین: ص ۹۳



۴- کسی که با حيله و تقلب به ديگري وانمود مي‌کند که بايد براي فرار از زلزله يا نجات فرزندش در بيمارستان سريعاً خانه اش را تخليه کند در اين جا، هر گاه فرد حيله گر پس از تخليه خانه، اموال صاحب خانه را بر بايد مرتکب سرقت خواهد شد نه کلاهبرداری

۵- اگر کسی با حيله و تقلب و با اغفال ديگري موفق شود کارت عابر بانک يا کليد خانه وی را از او بگيرد وی تنها نسبت به اين کارت و کليد مرتکب کلاهبرداری شده است و هرگاه بعداً با استفاده از کليد يا کارت اموالی را تحصيل کند اين اقدام مشمول کلاهبرداری نيست بلکه امکان دارد تحت شرايطي مشمول سرقت يا عناوين مجرمانه ديگري باشد.

۶- کسی که با جعل مدرک تحصيلی اجازه شرکت در آزموني را مي‌گيرد و به واسطه پاسخ صحيح به سوالات جايزه دريافت مي‌دارد مرتکب کلاهبرداری نشده است اما اگر به واسطه داشتن مدرک فارغ از پاسخ به سوالات جايزه‌ای را به همه اختصاص دهند يا به قيد قرعه جايزه‌ی به برخی تعلق گيرد و ايشان آن جايزه را بگيرد مرتکب کلاهبرداری شده است.

**توجه:** با توجه به مطالب فوق و بحث رابطه سببیت از منظر **دکتر مير محمد صادقی** آن دسته از آرای ديوان عالی کشور که تقاضای صدور ورقه اجرائيه برای مبلغی از مال الاجاره سابق که متقاضی مستحق آن نبوده است را بدون اين که مرتکب به نتيجه منظور، يعني أخذ مال الاجاره برسد شروع به کلاهبرداری دانسته اند نادرست به نظر مي‌رسد. (چون أخذ وجه به واسطه صدور اجرائيه بوده نه عمل متقلبانه مؤجر يعني اجرائيه رابطه علتيت بين اغفال و فريب قربانی و بردن مال غير را قطع کرده است) حالا اگر موجر مال الاجاره‌ای را مثلاً از فرزند مستأجر گرفته ولی قبض را به وی مسترد نکرده باشد، و سپس قبض را به مستأجر بی‌اطلاع نشان داده و مجدداً از او پول بگيرد ممکن است اين قبض را به دليل خالی از وجه بودن، بتوان در حکم سند تقلبی دانسته و معتقد به تحقق جرم کلاهبرداری شد.

### ج- بردن مال ديگري (تعلق مال برده شده به غير)

در رابطه با اين شرط بايد گفت که اگر کسی با توسل به وسايل تقلبی مال خود را از تصرف ديگري خارج کند مثل راهن يا مؤجر يا مالک اجناس در انبار برای فرار از دادن حق انبارداری اين اعمال **کلاهبرداری نيست**. در ضمن خريداري که قبل از پرداختن ثمن معامله و برای محروم کردن بايع از حق حبس، مبيع را با حيله و تقلب از يد بايع خارج کند مشمول حکم فوق است. (اگر مالی در محوطه یک اداره دولتی توسط شخصی يافت شود اما کارمند آن اداره با جعل عنوان خود را مالک آن مال معرفی کند و آن مال را بگيرد در اين جا هر چند معلوم نيست که آن مال متعلق به چه کسی است ولی از آن جا که اين مال توسط شخصی پيدا شده و بعد کارمند آن مال را با حيله و تقلب از آن خود کرده اين جا جرم کلاهبرداری و استفاده از سند جعلی محقق است.)

که **توجه** طبق اين شرط شعبه ۱۱ دادگاه تجديد نظر استان تهران در دادنامه شماره ۱۴۲/۷۴ مورخ ۱۳۷۴/۰۸/۲۱ بيان داشته: «فروش مال وقتی متهم در آن سهيم باشد از مصاديق بزه کلاهبرداری نيست و مصداق معامله فضولی می‌باشد.» هرچند اين موضوع نیازمند بررسی است که در ادامه به آن خواهيم پرداخت و نظرات و آراء ديگري عکس نظر فوق وجود دارد.

### ۳-۴- نتيجه حاصله برای تحقق جرم کلاهبرداری

از آن جا که کلاهبرداری جزء جرایم مقید می‌باشد. لذا شرط تحقق آن منوط به حصول نتيجه خاص می‌باشد. اين نتيجه خاص با توجه به ماده ۱ قانون تشديد «بردن مال ديگري» می‌باشد پس در یک سری از اعمال متقلبانه که مالی برده نمی‌شود کلاهبرداری محقق نيست مثل اقدامات متقلبانه برای ازدواج، ورود به دانشگاه، أخذ مدرک تحصيلی، أخذ کارت معافيت از خدمت نظام وظيفه به واسطه تظاهر به بيماری و گرفتن گواهی شورای پزشکی و... در اين گونه اقدامات ممکن است شخص به ضمانت اجرای مدنی يا جرایم ديگر مثل جعل محکوم شود.

که توجه ➤ با وجود عبارت «تحصیل» در ماده ۱ قانون تشدید و عبارت «بردن مال دیگری» در آن به نظر می‌رسد (تحصیل) وجوه، اسناد، حوالجات، قبوض و امثال آن‌ها برای تحقق جرم تام کلاهبرداری کافی نیست و باید (بردن مال) هم محقق شود پس تا قبل از این که چک تحصیل شده به بانک ارائه و نقد گردد تنها شروع به کلاهبرداری ممکن است محقق شود.

که توجه ➤ لازمه تحقق شرط (بردن مال دیگری) این نیست که انتقال مال بدون هیچ محمل قانونی و بدون هیچ مابه ازایی صورت گیرد.<sup>۱</sup> پس اگر حتی کسی برای بخشی از مالی که در نتیجه کلاهبرداری کسب می‌کند مابه ازایی دهد یا معامله‌ای انجام دهد کلاهبرداری محقق است مثل نشان دادن زمین مرغوب به جای زمین نامرغوب و اغوای خریدار به انجام معامله و دریافت ثمن به ارزش زمین مرغوب که در اصل موضوع معامله نیست. پس بنا به قیاس اولویت اگر هیچ مابه ازایی یا اقدامی از سوی کلاهبردار صورت نگیرد این عمل به طریق اولی کلاهبرداری است مثل کسی که با توسل به وسایل متقلبانه خود را پزشک جلوه داده و بدون انجام هیچ کاری وجوهی از دیگران به عنوان حق الزحمه انجام عمل جراحی ادعائی در آینده دریافت می‌دارد کلاهبردار است.

که توجه ➤ دکتر میرمحمد صادقی و دکتر آقائی نیا/ هادی رستمی معتقدند اگر بر اثر انجام عملیات متقلبانه یک «مزیت مالی» یا «تحصیل متقلبانه خدمات» به دست آمده باشد مثل کم کردن سن در شناسنامه و پرداخت حق بیمه کمتر یا تظاهر به معلولیت برای سوار شدن در اتومبیل این‌ها در قانون ایران به دلیل اصل عدم تصریح در قانون تشدید و لزوم تفسیر مضیق کلاهبرداری نیست. مگر این که این مزیت مالی یا تحصیل متقلبانه خدمات به مرتکب تملیک گردد یا وی صاحب آن شود. با این وجود دکتر جلال الدین قیاسی آن را با عنوان کلاهبرداری قابل انطباق می‌داند.<sup>۲</sup>

### ۳-۴-۱- ویژگی‌های «بردن مال غیر» به عنوان رکن اساسی نتیجه در تحقق جرم کلاهبرداری:

۱- ورود ضرر مالی به بزه دیده

۲- انتفاع مالی کلاهبردار یا شخص مورد نظر وی<sup>۳</sup>

#### اضرار به بزه دیده

منظور از اضرار این نیست که کلاهبردار شخصاً مال را به دست آورد یا از آن منتفع شود آن چه منظور قانون‌گذار بوده مطلق زبان دیدن طرف جرم است و لاغیر خواه مستفید از مال خود کلاهبردار باشد یا شخص دیگر.<sup>۴</sup>

(در بحث اضرار توجه کنید اگر وارثی که قسمتی از ماترک متوفی مثل ملک یا مغازه را برای تقسیم یا فروش نشان نمی‌دهد و هنوز بخشی از ماترک به حال اشتراک باقی مانده نمی‌توان گفت که او آن قسمت‌ها را تملک کرده چون هنوز این قسمت‌ها در حال اشاعه باقی مانده‌اند پس عمل او کلاهبرداری محسوب نمی‌شود. علاوه بر این که در مثال فوق شرط عدم تحقق کلاهبرداری عدم ورود ضرر به دیگر وراث می‌باشد دلیل دیگر این است که کلاهبرداری با یک فعل مثبت محقق می‌شود در حالی که خودداری از نشان دادن ماترک متوفی یک ترک فعل است.)

اگر امکان جبران ضرر وارده به بزه دیده در جرم کلاهبرداری مثل استفاده از حق فسخ به واسطه خیار غبن یا خیار عیب یا جبران خسارت توسط شرکت بیمه وجود داشته باشد از منظر دکتر میر محمد صادقی مانع تحقق جرم کلاهبرداری نخواهد بود. با این حال برخی از حقوقدانان با استناد به رأی اصراری شماره ۱۲ مورخ ۱۳۷۵/۰۷/۱۰ معتقدند اگر امکان جبران خسارت باشد یا در قرارداد به آن تصریح شده باشد کلاهبرداری محقق نیست.

۱- منبع پیشین: ص ۹۳

۲- قیاسی، جلال الدین و نیک نسب، عباسعلی ۱۳۹۳ «تحصیل متقلبانه خدمات» پژوهش نامه حقوق کیفری سال پنجم، شماره ۲: ص ۱۶۳ الی ۱۹۰

۳- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ منبع پیشین: ص ۹۵

۴- یاد، ابراهیم ۱۳۸۳ حقوق کیفری اختصاصی جلد دوم انتشارات رهام: ص ۵۶

کتاب مادام که فریب دادن و فریب خوردن ملحق به نتیجه ای خاص و مضر به حال فریب خورده که همانا دادن مال به فریب کار است نشود، بزه متولد نمی‌گردد!

### انتفاع مالی کلاهبردار یا شخص مورد نظری

کتاب اگر کسی با وسایل تقلبی موجب بی‌آبرویی دیگری و کسب شهرت برای خود شود کلاهبرداری نیست چون بحث انتفاع مالی در این جا مطرح نیست و این عمل شخص یک ضرر و منفعت غیر مالی می‌باشد.

کتاب اگر کسی برای انتقام از یک برنج فروش او را با خدعه و حیله، فریب دهد که دولت می‌خواهد از خارج برنج وارد کند و با این عملیات تقلبی برنج فروش را واردار به فروش برنج به بهای کم (ثمن بخس) کند کلاهبرداری محقق نیست. چرا که شخص از این عملیات تقلبی نفع مالی نبرده است. (البته در فرضی که نفعی عاید او شود کلاهبرداری است.) (رقابت مکارانه)

در بحث تجارت اگر تاجر X به واسطه اعمالی موجب شود مردم از خرید و استفاده متاع و اجناس مشابه اجناس خود از تاجر Y انصراف دهند یا اجناس او را نامرغوب جلوه دهد و به همین علت مردم از خرید اجناس شخص Y انصراف داده و به سمت خرید اجناس X گرایش پیدا کنند این موضوع تحت عنوان رقابت مکارانه مطرح است که در قوانین جزایی قبلی که اکنون نسخ گردیده به عنوان جرم مستقل پیش بینی شده بود اما در حال حاضر چنین مقرره‌ای وجود ندارد. دلیل این که چرا رقابت مکارانه تحت عنوان کلاهبرداری مطرح نیست؟ چون رقابت مکارانه نتیجه مستقیم توسل به وسایل تقلبی نیست و شخص متقلب هم به طور مستقیم از این موضوع نفع مالی نمی‌برد.

### ۳-۴-۲- غیر قانونی و نامشروع بودن «اموال» در نتیجه کلاهبرداری:

در خصوص ارتکاب کلاهبرداری نسبت به اموال و اعمال نامشروع و غیر قانونی مثل کارت معافیت جعلی یا گذرنامه جعلی و یا شرکت دادن فرد در یک لاتاری (قمار بزرگ) یا قالب کردن لواشک به جای شیره تریاک باید گفت از لحاظ ماهوی کلاهبرداری محقق است اما از منظر آیین دادرسی و موازین حقوقی و شرعی باید اجازه ندهیم قانون به کمک کسی بشتابد که با دست‌های ناپاک به سوی او آمده است. و در این خصوص اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۵۷۵ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ بیان داشته «قمار عملی است غیر مشروع و مخالف قانون و موجب نقل مال بازنده به برنده نیست. بنابراین، چه تقلبی در آن صورت گیرد چه بدون تقلب باشد، چون اثر قانونی نقل و انتقال و تملک ندارد نمی‌تواند از مصادیق کلاهبرداری باشد. در هر حال برنده باید وجوه را به بازنده مسترد نماید.» دکتر عباس زراعت بر این نظریه اشکال وارد نموده و معتقد است: (این نظریه محل اشکال است زیرا نقل و انتقال واقعی در تحقق چنین جرمی ملاک نیست. بلکه بردن و تصرف ظاهری مال کفایت می‌کند، وگرنه در بسیاری از جرایم مانند اختلاس، سرقت و... انتقال واقعی صورت نمی‌گیرد، اما جرم محقق می‌شود.) دکتر میر محمد صادقی معتقدند: (اگر کسی به بهانه شرکت دادن دیگری در لاتاری یا قمار با حیله و تقلب از او مالی بگیرد باید قائل به کلاهبرداری باشیم اما انجام حیله و تقلب در حین انجام قمار موجب تحقق کلاهبرداری نیست.)

**نکته ۴: شروع به کلاهبرداری** برای تحلیل شروع به کلاهبرداری لازم است نکات کلی شروع به جرم و مواد مرتبط در این خصوص را مورد بحث بررسی قرار دهیم

۱. در خصوص شروع به جرم قانون‌گذار ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را پیش بینی نموده است. از طرف دیگر در مورد شروع به کلاهبرداری با تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مواجهیم، حال سؤال این جاست که آیا ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی نسخ تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید است؟

یا این که تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مورد اشاره به قوت خود باقی است؟ در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول ← عده ای معتقدند که ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی تمام شروع به جرم‌های پیش بینی شده در قوانین سابق بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را نسخ نموده است. در تأیید این مطلب به نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه به ش: ۹۶۳/۹۲/۷، ۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۶ و ۷/۱۴۶۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۶ استناد می‌شود.<sup>۱</sup>

مجازات شروع به کلاهبرداری طبق دیدگاه اول (دیدگاه حاکم ✓) ↓  
شروع به کلاهبرداری ساده غیر قابل گذشت (مجازات تعزیری درجه ۴ ← ۱ تا ۷ سال حبس و...) ⇨ حبس تعزیری درجه ۵

شروع به کلاهبرداری مشدد غیر قابل گذشت (مجازات تعزیری درجه ۴ ← ۲ تا ۱۰ سال حبس و...) ⇨ حبس تعزیری درجه ۵

اگر موضوع جرم کلاهبرداری ساده یا مشدد کمتر از یک میلیارد ریال باشد جرم قابل گذشت است و لذا طبق تبصره، ماده ۱۰۴ ق.م.ا (اصلاحی به واسطه قانون کاهش حبس تعزیری ۱۳۹۹) جرم حبس تعزیری درجه ۴ به نصف تقلیل می‌یابد و بر این اساس مجازات شروع به کلاهبرداری:

کلاهبرداری ساده قابل گذشت (مجازات تعزیری درجه ۵ ← ۶ ماه تا ۳/۵ سال حبس و...) ⇨ حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

کلاهبرداری مشدد قابل گذشت (مجازات تعزیری درجه ۵ ← ۱ تا ۵ سال حبس و...) ⇨ حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

شبکه کلاهبرداری (ماده ۴ قانون تشدید) (مجازات تعزیری درجه ۱) ⇨ حبس تعزیری درجه ۴  
در این دیدگاه نسبت به مجازات انفعال از خدمات دولتی در جرم کلاهبرداری در ماده ۱۲۲ ق.م.ا هیچ پیش بینی صورت نگرفته است در حالی که در تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید در مورد انفعال از خدمت مقرراتی آمده بود که دیگر در مقررات فعلی جایگاهی ندارد. مطابق دیدگاه اول مجازات شروع به کلاهبرداری ساده و مشدد چه در حالت غیر قابل گذشت و چه در شکل قابل گذشت یکسان است و فرقی میان آن‌ها نیست بنابراین این وظیفه مقام قضایی صادرکننده رأی است که بر اساس این که کلاهبرداری قابل گذشت یا غیر قابل گذشت است و همچنین با توجه به میزان اموال تناسب بین جرم و مجازات را رعایت نماید.

دیدگاه دوم ← عده دیگر هم چون دکتر هادی رستمی و دکتر آقائی نیا معتقدند که تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید هنوز به قوت خود باقی است و برای آن دلایلی را هم بیان می‌نمایند، از جمله این که طبق نظریه شورای نگهبان به شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۰۷/۲۴ هیچ یک از مراجع قانون گذاری حق رد و ابطال مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند. تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید در این رابطه بیان می‌دارد: (مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنان چه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم تراز آن‌ها باشند، به انفعال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به شش ماه تا سه سال انفعال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند). البته این دیدگاه طبق ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب

۱- مختارزاده، میثم ۱۳۹۸، قانون یار حقوق جزای عمومی - انتشارات چتر دانش ذیل ماده ۱۲۴ ق.م.ا مراجعه شود.

۱۳۹۹ دیگر جایگاهی نداشته هر چند شورای محترم نگهبان با تصویب این مقررہ عملاً نظریه

قبلی خود را زیر سؤال برده است و باید به ماده ۱۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مراجعه کرد:

ماده ۱۲۲- هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او، قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است، به حبس تعزیری درجه چهار.

ب- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها، قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است، به حبس تعزیری درجه پنج.

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش.

تبصره- هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهت مادی که مرتکب از آن‌ها بی‌اطلاع بوده، وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام‌شده در حکم شروع به جرم است.

### مجازات شروع به کلاهبرداری طبق دیدگاه دوم ↓

شروع به کلاهبرداری ساده غیر قابل گذشت ⇨ یک سال حبس تعزیری

شروع به کلاهبرداری مشدد غیر قابل گذشت ⇨ دو سال حبس تعزیری + انفصال ابد برای مدیرکل و بالاتر

۶ / ماه تا ۳ سال برای سایر کارمندان

اگر موضوع جرم کلاهبرداری ساده یا مشدد کمتر از یک میلیارد ریال باشد جرم قابل گذشت است

و لذا طبق تبصره، ماده ۱۰۴ ق.م.ا (اصلاحی به واسطه قانون کاهش حبس تعزیری ۱۳۹۹) جرم

حبس تعزیری درجه ۴ به نصف تقلیل می‌یابد و بر این اساس مجازات شروع به کلاهبرداری:

شروع به کلاهبرداری ساده قابل گذشت ⇨ شش ماه حبس تعزیری

شروع به کلاهبرداری مشدد قابل گذشت ⇨ یک سال حبس تعزیری + انفصال ابد برای مدیرکل و بالاتر /

۶ ماه تا ۳ سال برای سایر کارمندان (به نظر می‌رسد با گذشت شاکی مجازات شروع به آن جرم

منتفی است.)

شروع به شبکه کلاهبرداری ⇨ به نظر می‌رسد با وحدت ملاک از تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید در غیر موارد افساد فی

الارض حداقل مجازات قانونی یعنی ۱۵ سال حبس تعزیری برای شروع به مجازات در نظر گرفته شود.

در این دیدگاه نسبت بحث شروع به جرم تشکیل شبکه کلاهبرداری از حیث میزان مجازات هیچ

پیش بینی صورت نگرفته است در حالی که در ماده ۱۲۲ ق.م.ا مقرراتی آمده است و همین موضوع

برتری دیدگاه اول را از این حیث می‌رساند.

۲. منظور از شروع به کلاهبرداری، توسل به وسایل تقلبی برای تحصیل مال غیر است که به دلیل موانع خارج از اراده

کلاهبردار، عقیم می‌ماند و نتیجه اکل مال به باطل تحقق پیدا نمی‌کند.<sup>۱</sup> البته در مواردی که شخص بر مال استیلا

پیدا کند مثل این که پول یا وجهی به حساب شخص واریز شود همین مقدار برای تحقق جرم تام کلاهبرداری کافی

است و نباید به این خاطر که شخص هنوز پول را برداشت نکرده بگوییم شخص در مرحله شروع به جرم قرار دارد.

۳. با توجه به مفهوم مخالف ماده ۱۲۳ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط

مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد.»

انجام اعمال مقدماتی را که رابطه مستقیم با عملیات اجرایی کلاهبرداری داشته باشد می‌تواند شروع به کلاهبرداری محسوب گردد. برای مثال اگر شخصی به قصد بردن مال دیگران ساختمانی را تجهیز کند و با نصب تابلوی یک شرکت موهوم و استخدام افراد متخلف زمینه کلاهبرداری را فراهم سازد روزی که مبادرت به افتتاح آن شرکت می‌کند به صرف مراجعه مردم حتی بدون آن که معامله‌ای صورت گیرد در واقع مرتکب کلاهبرداری شده است. زیرا هیچ فاصله زمانی و مکانی میان مراجعه مردم و اعمال حيله و تقلب وجود نداشته و این اقدامات ارتباط مستقیم با عملیات اجرایی کلاهبرداری دارند.<sup>۱</sup>

۴. مقدمات بعیده یا اقداماتی را که رابطه مستقیم با عملیات اجرایی ندارند نمی‌توان شروع به کلاهبرداری دانست. شرط تحقق شروع به جرم وارد شدن مرتکب در مرحله انجام دادن عملیات اجرایی است و در این خصوص بین حقوقدانان اختلاف عقیده وجود ندارد اما آن چه مهم است تشخیص اعمال اجرایی از اعمال مقدماتی (مقدمات انجام جرم) است شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۴۶۹ مورخ ۱۳۱۸/۰۶/۲۸ صرف نوشتن نامه خلاف واقع به دیگری را ولو به این قصد صورت گرفته باشد که نویسنده ملک مخاطب را به قیمت نازل تر از قیمت حقیقی خریداری کند شروع به کلاهبرداری به حساب نیاورده و معتقد است با فرض این که مقصود، ترغیب طرف به فروختن ملک و تهیه مقدمات برای نیل به منظور خود بوده باشد، این معنی از مقدمات بعیده کلاهبرداری به شمار می‌رود که طبق مقررات قابل مجازات نمی‌باشد. برای شروع به کلاهبرداری، مقدماتی که انجام یافته باید از مقدمات قریبه باشد و دادگاه نیز موظف است در حکم خود آن‌ها را مشخص کند والا حکم نقض خواهد شد. بر همین اساس عملیات مقدماتی در فرضی که ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد مثل خرید نردبان برای سرقت یا خرید سلاح به قصد قتل یا مذاکره با روزنامه جهت چاپ آگهی جعلی به قصد بردن مال غیر هیچ یک شروع به سرقت، شروع به قتل و شروع به کلاهبرداری نخواهند بود. ۵. هرگاه شخص A بر خلاف تصورش بیمه‌نامه‌ای که می‌خواسته به واسطه عملیات متقلبانه از شرکت بیمه به خاطر آتش سوزی مصنوعی که خود ایجاد کرده مطالبه غرامت کند مدت آن منقضی شده باشد طبق تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا در حکم شروع به جرم است چون از جهات مادی شخص A از آن بی‌اطلاع بوده است. حال اگر شخص B مال خود را به تصور این که مال غیر است با توسل به وسایل تقلبی از ید دیگری خارج کند در این جا شروع به کلاهبرداری یا در حکم آن محقق نیست زیرا در مورد آن چه اتفاق افتاده بر تعریف قانونی جرایم منطبق نمی‌باشد. پس هرگاه در مواردی که وقوع جرم به جهات قانونی غیرممکن باشد خدشه در عنصری از عناصر مذکور در تعریف قانونی جرم وجود دارد. ۶. در بررسی شروع به جرم کلاهبرداری اگر مشخص نشد که فرد قصد اقدام به کلاهبرداری زیر ۱۰۰ میلیون داشته یا کلاهبرداری بالای ۱۰۰ میلیون تومان تکلیف چیست؟ به نظر می‌رسد در این مواقع باید در راستای سیاست کاهش جمعیت کیفری زندان و نفع متهم اصل را بر قابل گذشت بودن جرم بگذاریم.

**نکته ۵: عنصر معنوی (رکن روانی) جرم کلاهبرداری** برای تحلیل عنصر معنوی یا رکن روانی جرم کلاهبرداری می‌توان هم به مطالعه سوء نیت عام و خاص پرداخته و هم موضوع سبق تصمیم، علم به موضوع و ضرورت وجود قصد در ساختار جرم مرکب را مورد مطالعه قرار دهیم:<sup>۲</sup>

۵-۱- **سوءنیت عام** ⇨ در کلاهبرداری عبارت است از قصد استفاده از وسیله تقلبی و در واقع عمد در فعل است. به

۱- آقایی نیا، حسین و رستمی، هادی ۱۳۹۷ «منبع پیشین»: ص ۱۰۰ و ۱۰۱

۲- در کنار بحث (رکن روانی) نباید از بحث «انگیزه» غافل ماند. انگیزه با قصد مجرمانه متفاوت است. قانون‌گذار برخلاف قصد، انگیزه را علی‌الاصول در ماهیت رفتار مجرمانه بی‌تأثیر دانسته است. (البته در قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ انگیزه در رفتار مجرمانه اهمیت بسیاری داشته و جزء رکن روانی محسوب می‌شود). انگیزه مقصد نهایی و منظور بعید فاعل و یا هدف مع‌الواسطه مجرم از ارتکاب جرم می‌باشد و ممکن است در جرایم مختلف به صورت‌های متفاوت منظور شود. حال آن که عمد قصد بلاواسطه از ارتکاب جرم و همان اراده رسیدن به نتیجه نامشروع است که همواره در حقوق کیفری یکسان می‌باشد. / انگیزه شرافتمندانه به استناد ماده ۳۸ ق.م.ا از موجبات تخفیف مجازات به حساب می‌آید.

عبارت دیگر کلاهبردار باید با علم به تقلبی بودن وسیله مورد استفاده خود، در استفاده از آن عمد داشته باشد. پس هر گاه شخصی به اشتباه ولی صادقانه معتقد به غیر متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده خود باشد رکن سوءنیت عام متزلزل خواهد بود.<sup>۱</sup> (به عنوان مثال وقتی شخصی M برای ساختن کتابخانه قفسه بندی شده از شخص N پول می‌گیرد واقعاً قصد ساختن این کتابخانه را داشته و فکر کند که از عهده این کار بر خواهد آمد. سوءنیت عام دچار متزلزل است.) / یا این که اگر شخص A در حالت مستی یا هیپنوتیزم وسایل تقلبی را به کار برده باشد هم سوءنیت عام متزلزل می‌باشد.

🔍 **توجه** ➡ در مواردی که شخص نسبت به وسایل تقلبی شک و تردید داشته باشد و بدون تحقیق و تفحص از این وسایل تقلبی بهره بگیرد برای مثال مدرک جعل شده و تقلبی صادره از سوی یک سازمان دولتی از طرف کسی در اختیار شخص X قرار گرفته که او به واسطه این مدرک می‌تواند از اشخاص حقیقی یا حقوقی پول دریافت کند ولی او نسبت به صحت این مدرک شک و تردید دارد و در رابطه با آن هم تحقیق و تفحص نمی‌کند در نظام قضایی ایران به دلیل خدشه در عنصر روانی و متزلزل در سوءنیت عام و احتیاط در محکومیت جزایی افراد عمل شخص کلاهبرداری نیست.

۵-۲- **سوءنیت خاص** ➡ در کلاهبرداری یعنی قصد بردن مال دیگری است که برای تحقق کلاهبرداری وجود و اثبات قصد خاص بردن مال دیگری لازم است.

🔍 **توجه** ➡ در بردن مال دیگری اگر شخص A با وسایل تقلبی بخواهد ماشین پراید شخص B را ببرد و او را فریب دهد اما شخص B به واسطه فریب موتورسیکلت خود را در اختیار شخص A قرار دهد کلاهبرداری محقق است و ملاک در کلاهبرداری بردن مال است و نوع آن فرقی ندارد.

🔍 **توجه** ➡ در بحث رکن روانی و سوءنیت خاص جرم کلاهبرداری بردن مال قربانی خاص هم ملاک نیست یعنی باز هم ملاک بردن مال دیگری است پس اگر با عملیات متقلبانه و مانور شرکتی ایجاد کند که هر کسی که به آن مراجعه کرد مال او را ببرد کلاهبرداری محقق است.

۵-۳- **سبق تصمیم** ➡ داشتن قصد قبلی یا تصمیم به اعمال حیله و تقلب نخستین مرحله رکن روانی کلاهبرداری است. اما این سبق تصمیم به تنهایی جرم نبوده مگر آن که قصد قبلی و تهیه مقدمات حیله و تقلب رابطه مستقیمی با عملیات اجرایی داشته باشد به گونه ای که نتوان قائل به فاصله زمانی و مکانی میان آن‌ها و عملیات اجرایی بود.<sup>۲</sup>

۵-۴- **علم به موضوع** ➡ یعنی آگاهی از تقلبی بودن وسایل متقلبانه و تعلق مال به غیر شرط است. پس علم به موضوع شرط بدیهی شکل گیری رکن معنوی است. آگاهی از تقلبی بودن وسیله بعد از تحصیل و بردن مال، به دلیل مشکل تقارن ارکان جرم موجب تحقق کلاهبرداری نخواهد شد. در جرم کلاهبرداری صرف آگاهی مرتکب به متقلبانه بودن وسایل کفایت نمی‌کند و در این رابطه عدم آگاهی طرف مقابل نیز شرط است.<sup>۳</sup>

۵-۵- **ضرورت وجود قصد در ساختار جرم مرکب کلاهبرداری** ➡ با توجه به این که کلاهبرداری جرمی مرکب است و از ترکیب چند رفتار در مراحل مختلف تشکیل می‌شود لذا اعم از آن که مرتکب واحد باشد یا متعدد رکن معنوی هر مرحله نیز باید به طور مستقل احراز گردد. هر چند اجزای رکن معنوی در هر مرحله، ویژگی خاص خود را دارد، ولی آن چه وجه مشترک در همه آن‌ها است قصد کلاهبرداری است و منظور از قصد کلاهبرداری همان قصد بردن مال دیگری از رهگذر حیله و تقلب می‌باشد. فقدان این وجه مشترک مانع تحقق جرم کلاهبرداری و حتی مجازات مرتکب یا مرتکبین تحت عنوان شروع به این جرم خواهد بود.<sup>۴</sup>

۱- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ «منبع پیشین»، ص ۱۰۸

۲- آقائی نیا، حسین و رستمی، هادی ۱۳۹۷ «منبع پیشین»، ص ۷۴ و ۷۵

۳- منبع پیشین: ص ۷۵ و ۷۶

۴- منبع پیشین: ص ۷۶

که توجه به صرف قصد کلاهبرداری موجبی برای متقلبانه محسوب شدن رفتارهای منطبق با حقیقت نیست و علاوه بر قصد سوء، حيله و تقلب نیز شرط است بدین سان، اگر صاحب فروشگاه K مشتری یک شرکت معتبر به نام T باشد و پیش از هر خریدی بهای آن را نقداً بپردازد و اعتماد شرکت T را جلب نماید و بعد از این جلب اعتماد در یک حجم وسیع خرید هنگفتی نماید و از پرداخت وجه خودداری کند و سپس ثابت گردد از همان ابتدا تصمیم بر این کار داشته به دلیل غیر متقلبانه بودن رفتار کلاهبردار محسوب نمی‌شود.

**نکته ۶: «شرکت در کلاهبرداری»** جهت بررسی شرکت در کلاهبرداری باید به ماده ۱۲۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ و

عمومات بحث شرکت در کلاهبرداری در حقوق جزای عمومی مراجعه کرد ↓

ماده ۱۲۵- هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آن‌ها باشد، خواه رفتار هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیر عمدی نیز چنان چه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد، مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هریک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. تبصره- اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.»

از آن جا که **عنصر مادی شرکت در جرم** کلاهبرداری انجام عملیاتی است که جرم را مستند به عمل شریک سازد و ارکان مادی جرم کلاهبرداری شامل سه جزء است لذا اگر **شخص A** اقدام به جعل یا تهیه عملیات متقلبانه و **شخص B** اقدام به اغفال و فریب قربانی و **شخص C** اقدام به بردن و تصاحب مال دیگری نماید چون جرم کلاهبرداری مستند به عمل هر سه می‌باشد هر سه شریک در کلاهبرداری محسوب می‌شوند. **عنصر روانی شرکت در جرم** نیز عبارت است از علم و اطلاع شریک نسبت به ماهیت جرم ارتكابی است. بنابراین، برای تحقق عنصر روانی در شریک جرم، وی باید دارای همان عنصر روانی مباشر، یعنی سوءنیت عام و خاص، باشد. (پس اگر مباشر جرم یعنی شخص X قبلاً سمتی داشته و بعداً آن را از دست داده است ولی شخص دیگر یعنی Y، به تصور این که او هم چنان از آن سمت برخوردار می‌باشد، سمت وی را در مقابل اشخاص ثالث تأیید کند، عنصر سوءنیت عام متزلزل خواهد بود از سوی دیگر هر گاه Y بداند X سمتی ندارد ولی از قصد او برای بردن مال دیگری اطلاع نداشته باشد و تصور کند که منظور او از جعل سمت صرفاً جلب نظر دیگری برای ازدواج یا کسب شهرت و اعتبار و نظایر آن است عنصر سوءنیت خاص شریک متزلزل می‌گردد. و در نتیجه محکوم کردن وی به شرکت در کلاهبرداری صحیح نیست<sup>۱</sup>). اصطلاح شرکت در کلاهبرداری به معنای مداخله عمدی بیش از یک نفر در فریب دادن و بردن مال دیگری است. البته لازم به ذکر است که برای تحقق شرکت در کلاهبرداری صرف مداخله در عملیات اجرایی کافی نیست بلکه باید وقوع جرم مستند به رفتار کلیه مداخله کنندگان باشد.<sup>۲</sup>

مجازات شرکا به مجازات فاعل مستقل آن در حبس و جزای نقدی (هر کدام از شرکا به جزای نقدی معادل مال اخذ شده محکوم می‌شوند و نه به یک جزای نقدی) است و در مورد رد مال طبق ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ سهم هر یک از شرکا باید مشخص شود. (با رعایت قانون کاهش مجازات حبس ۱۳۹۹ و میزان مال کلاهبرداری شده طبق حد نصاب ۱ میلیارد ریال بالا و پایین و موارد تخفیف مجازات) البته اگر مبلغ کلاهبرداری بیش از ۱ میلیارد ریال باشد طبق ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ انتشار حکم محکومیت در روزنامه محلی به شرط آن که محل نظم و امنیت نباشد در یک نوبت الزاماً صورت می‌گیرد.<sup>۳</sup> (رای وحدت رویه شماره ۸۳۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور مورد مطالعه قرار گیرد).

۱- میر محمد صادقی، حسین ۱۳۹۶ «منبع پیشین»: ص ۱۱۲

۲- ساولانی، اسماعیل ۱۳۹۷ «نکاتی از حقوق جزای اختصاصی ۲» مشاهیر دادآفرین: ص ۴۸

۳- در خصوص رد مال توسط شرکا به ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و رأی وحدت رویه شماره ۷۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ مراجعه شود.